

به نام خدای یکتا

بیانیه‌ها و تحلیل‌های سیاسی سال ۱۳۶۹ (جلد ۲۱)

نامه به روزنامه کیهان هوایی در مورد مطالب خلاف واقع آن در
رابطه با نهضت
تاریخ: ۶۹/۱/۹

نامه سرگشاده جمعی از آزادیخواهان ایران (۹۰ امضاء) به
رئیس جمهور
در مورد مسائل جاری مملکت
تاریخ: اردیبهشت ۶۹

بیانیه سی‌امین سال تاسیس نهضت آزادی
تاریخ: ۶۹/۲/۲۵

نامه به شورای سردبیری روزنامه کیهان
در مورد مقالات و اتهام‌های مندرج علیه نهضت
تاریخ: ۶۹/۳/۱

اطلاعیه پیرامون
«جوسازی و جنجال علیه تقاضا کنندگان آزادی و اجرای قانون»
تاریخ: ۶۹/۳/۵

اطلاعیه مطبوعاتی پیرامون احضار آقای مهندس بازرگان
به دادسرای عمومی تهران
تاریخ: ۶۹/۳/۵

اطلاعیه پیرامون بازداشت برخی از امضا کنندگان نامه
سرگشاده به رئیس جمهور
تاریخ: ۶۹/۴/۳

اطلاعیه به مناسبت فاجعه زلزله ۳۱ خرداد
تاریخ: ۶۹/۴/۴

بیانیه در مورد ضرورت مذاکرات مستقیم برای صلح
تاریخ: ۶۹/۴/۱۸

نامه به رئیس قوه قضائیه در مورد سخنان ایشان در نماز جمعه
(نظام عبرت)
تاریخ: ۶۹/۴/۲۸

تلگرام مهندس بازرگان به رئیس قوه قضائیه
در مورد فشار و آزار به دستگیرشدگان نامه ۹۰ امضایی
تاریخ: ۶۹/۵/۴

اعتراض به دخالت نمایندگان آمریکا در امور ایران
تاریخ: ۶۹/۵/۶

تلگرام به مدیر عامل سازمان صدا و سیما
در مورد پخش مصاحبه آقای بهبهانی
تاریخ: ۶۹/۵/۲۴

تحلیل پخش مصاحبه آقای بهبهانی از سیمای جمهوری اسلامی

«هیأت حاکمه در نمایش ضعیف»

تاریخ: ۶۹/۵/۳۱

بیانیه در مورد تسلیم عراق به شرایط صلح و حمله به کویت

تاریخ: ۶۹/۶/۱

اطلاعیه به مناسبت رحلت آیت‌الله مرعشی

تاریخ: ۶۹/۶/۸

نامه به وزیر اطلاعات در مورد مصاحبه تلویزیونی ایشان

تاریخ: ۶۹/۶/۲۲

اطلاعیه درباره دیدار هیأت اعزامی کمیسیون حقوق بشر با

نهضت آزادی

تاریخ: ۶۹/۷/۳۰

نامه به رئیس جمهور و پیشنهاد اقامه دعوی ایران

در دادگاههای بین‌المللی علیه فروشندگان سلاحهای

شیمیایی به عراق

تاریخ: ۶۹/۷/۳۰

نامه به رئیس جمهور در مورد اظهارات نادرست و اتهامات

ناروای ایشان به دستگیرشدگان در مصاحبه با روزنامه لوموند

تاریخ: ۶۹/۸/۱

نامه به مدیرعامل سازمان صدا و سیما در پاسخ به نامه آن
سازمان

تاریخ: ۶۹/۸/۱۲

نامه به رئیس قوه قضائیه در مورد سخنان ایشان در خطبه نماز
جمعه ۴ آبان ماه

تاریخ: ۶۹/۸/۲۰

نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد موضع‌گیری‌های
دوگانه آن سازمان

تاریخ: ۶۹/۹/۳

نامه به رئیس دیوان عالی کشور در مورد تعیین وضعیت زندانیان
نهضت آزادی

تاریخ: ۶۹/۱۰/۲

نامه دبیر کل نهضت به نخست‌وزیر هندوستان در مورد حمله
به مسجد بابری

تاریخ: ۶۹/۱۰/۲۲

نامه به شورای سردبیری روزنامه کیهان
در مورد پخش اخبار تحریک‌آمیز و حاوی توهین و تهمت

تاریخ: ۶۹/۱۰/۲۴

نامه به رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین
در مورد شهادت دو تن از رهبران ساف

تاریخ: ۶۹/۱۰/۲۷

بیانیه نهضت در مورد حمله عراق به کویت

تاریخ: ۶۹/۱۱/۴

نامه به دبیر کل سازمان ملل متحد و درخواست ایجاد وضعیت

برای تحقق صلح در خاور میانه

تاریخ: ۶۹/۱۱/۳۰

نامه به رئیس قوه قضائیه در مورد تعیین وضعیت ۱۳ تن از

زندانیان

تاریخ: ۶۹/۱۲/۱۸

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به روزنامه کیهان هوایی در مورد مطالب خلاف واقع در رابطه با نهضت

شماره: ۶۹/۱۰۱

تاریخ: ۶۹/۱/۹

روزنامه محترم کیهان هوایی

با سلام، در شماره ۸۷۰ در مورخه ۱۳۶۸/۱۲/۱۶ آن روزنامه در صفحات ۸ و ۱ مطالبی خلاف واقعیت در ارتباط با نهضت آزادی درج نموده‌اید که مقتضی است طبق قانون مطبوعات نسبت به چاپ پاسخ نهضت آزادی در همان صفحات اقدام فرمائید. با توجه به نامه شماره ۶-۲۱۵۸۱ مورخ ۶۸/۱۲/۱۹ سردبیر روزنامه به دبیر کل نهضت آزادی ایران مبنی بر اینکه روزنامه کیهان هوایی «بنا به شیوه همیشگی خود، آمادگی چاپ پاسخ نهضت آزادی را خواهد داشت. . .» امیدواریم با چاپ پاسخ ما به روشن شدن اذهان خوانندگان خود کمک کنید:

(۱) در صفحه اول با استفاده از حروف بزرگ، عنوان اصلی روزنامه به صورت زیر به چاپ رسیده است: «حمله مسلحانه پلیس آمریکا به یک ایرانی به خاطر اقامه نماز در فرودگاه اورلندو» و در ذیل آن با حروف ریز آمده است:

«با وجود اینکه گفته می‌شود این شخص از وابستگان نهضت آزادی است اما تا کنون سران نهضت کوچکترین عکس‌العملی به این ماجرا نشان نداده‌اند.»

(۲) در صفحه ۸ تحت عنوان «حمله مسلحانه پلیس آمریکا به یک ایرانی به خاطر اقامه نماز در فرودگاه» بعد از درج خبر مربوط به حمله پلیس و مجروح نمودن و انتقال آقای جمال کاظمی به بیمارستان، آمده است:

«بر اساس گزارش دیگری جمال کاظمی از اعضای نهضت آزادی است اما با این حال و با وجود گذشت بیش از دو ماه از این ماجرا نهضت آزادی و سران آن هنوز هیچگونه واکنشی نسبت به این ماجرا بروز نداده و عمل پلیس آمریکا را در ضرب و شتم یک مسلمان ایرانی و عضو نهضت آزادی به دلیل اقامه نماز محکوم نکرده‌اند.»

(۳) در صفحه ۸، تحت عنوان «مواضع نهضت آزادی این‌گونه زیر سؤال می‌رود...» پس از تکرار مکرر مطالب فوق، ادامه داده‌اید که: «همین سران نهضت آزادی که در تهران چپ می‌روند راست می‌روند اعلامیه و اطلاعیه می‌دهند، مشتاقانه با رادیوهای بیگانه به مصاحبه می‌پردازند، به دنبال مجروح شدن یک عضو نهضت آزادی آن هم به دلیل اقامه نماز، موضوع را به سکوت برگزار کرده‌اند. آیا این سکوت سؤال برانگیز نیست؟ آیا ضرب و شتم یک عضو نهضت در آمریکا به دلیل اقامه نماز کوچکترین واکنش را نمی‌طلبد؟» سپس به اتهامات و حملات ادامه داده اضافه گردیده است که نهضت آزادی ایران طرفدار پایان جنگ تحمیلی بدون شناخته شدن متجاوز بوده است و علاوه بر آن گروهها و احزاب سیاسی دارای استقلال نیستند...»

ذیلاً به قسمتی از اتهامات و اظهارات خلاف واقع فوق پاسخ می‌دهد:

(۱) آقای جمال کاظمی هرگز عضو نهضت آزادی ایران (چه در داخل و چه در خارج از کشور) نبوده است و ایرادات و انتقادات آن روزنامه نسبت به نهضت آزادی ایران بر اساس یک فرض یا اتهام نادرست بنا شده است.

(۲) نهضت آزادی ایران خبر حمله پلیس آمریکا به آقای جمال کاظمی را از طریق همین شماره روزنامه کیهان هوائی، مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۶۸ دریافت کرده است.

(۳) نهضت آزادی ایران ضمن اظهار تاسف از این واقعه، هرگونه برخورد و یا حمله‌ای از جانب پلیس به هر مسلمانی که طبق موازین اسلامی در حال اقامه نماز باشد را به شدت محکوم می‌کند. طبیعتاً حمله پلیس آمریکا به یک مسلمان در حال نماز را نیز شدیداً محکوم می‌کند و از این لحاظ فرقی بین یک عضو نهضت آزادی و سایر برادران مسلمان قائل نیست.

(۴) چون در همین مقاله «مواضع نهضت آزادی این گونه زیر سؤال می‌رود...» اشاره‌ای خلاف واقع در مورد موضع نهضت درباره جنگ تحمیلی نموده‌اید، ضرورت دارد خاطر نشان سازد که نهضت آزادی هرگز پایان جنگ را بدون شناخته شدن متجاوز مطرح نکرده است. بلکه بر عکس در زمانی که احتمال قبول شرایط مورد نظر ایران بیشتر از تیرماه ۱۳۶۷ و یا امروز بوده در نشریه مفصل «پایان عادلانه جنگ بی‌پایان» شرایط و پیشنهادات عملی خود را با رعایت موازین اسلامی و استقلال کشور منتشر ساخت، که یکی از آن شرایط شناخته شدن متجاوز بود. این نشریه در اول دیماه ۱۳۶۴ منتشر گردید و تا آنجائی که اطلاع داریم مورد مطالعه بعضی از بالاترین مقامات و مسئولین روز جمهوری اسلامی نیز قرار گرفت. حال چگونه دبیر سرویس خبر با بکار گرفتن الفاظی مانند «موضع سازشکارانه» اعلام می‌دارند نهضت آزادی می‌خواست که جنگ بدون شناخته شدن متجاوز پایان یابد؟

(۵) در خاتمه، از کیهان هوائی انتظار داریم که در درج اخبار، به ویژه اخبار مربوط به احزاب و سازمانهای سیاسی تحقیق و دقت بیشتری نمایند تا تحلیل‌ها و استنباط‌های متکی بر اینگونه اخبار موجب رشد و آگاهی خوانندگان و جامعه گردد، نه برعکس موجب بدبینی و تفرقه و گمراهی مردم.

نهضت آزادی ایران

۶۹/۱/۹

نامه سرگشاده جمعی از آزادی خواهان ایران به

ریاست جمهوری

از آنجا که امضای این نامه موجب دستگیری و زندانی شدن ۹

نفر از اعضای نهضت آزادی ایران شد در این مجموعه آمده

است.

بنام خدا

جناب آقای رئیس جمهور

به طوری که همه می دانند انقلابی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در ایران روی داد، دنباله حوادث و مبارزاتی بود که زنجیروار از یکصد سال پیش با قیام تنباکو آغاز گردید. هدف این مبارزات بریدن دست استعمار جهانخوار و رهایی ملت به خواب رفته ایران از بندهای کهنسال استبداد و نادانی و ناتوانی بود و برای رسیدن به آزادی و استقلال و عدالتخواهی. در این رهگذر دو سلسله قاجاریه و پهلوی از قدرت برکنار شدند. امید و انتظار ملت چنین بود که با انقلاب اسلامی ایران سرانجام نور آزادی و عزت استقلال و عدالت الهی بر ظلمت جهل، اسارت استبداد، ذلت فقر و سلطه بیگانگان غلبه خواهد کرد. اما صد افسوس که در دوازدهمین بهار انقلاب جای آزادی و رضایت و رهایی خالی است و از نظر اقتصادی و سیاسی بیش از هر زمان دست بسته و دست به سینه شده ایم.

متأسفانه تذکرات و هشدارهای ناصحان و خیرخواهان نادیده گرفته شده است و اکنون کشور عزیز ما در بن بست و بحرانی از سختی و ناخشنودی و نابسامانی دست و پا می زند. علیرغم وعده های به مستضعفین و شعارهای پر طنین، طبقات محروم جامعه محرومتر و زیاده تر شده اند. در چنگال گرانی و

گره‌های زندگی گرفتارتر و از آینده خود مأیوس‌تر، ملک و ملت به لبه پرتگاه وحشتناک ویرانی و نابودی رسیده است.

به طور کلی و مختصر، پس از ده سال حکومت مطلقه انحصار و اختناق و انحراف، امروز در شرایطی زندگی می‌کنیم که:

۱) از نظر اقتصادی و اجتماعی و زندگی

بر شما و احدی پوشیده نیست که کشور ایران در اثر سالها جنگ خارجی، خروج از آرمانها و اهداف انقلاب و سوء مدیریت مسئولین و متصدیان، دست به گریبان بی‌سابقه‌ترین بحران اقتصادی شده است که توام با تورم، بیکاری، کاهش تولید و تاراج سرمایه‌های خدادادی می‌باشد. درآمد سرانه کشور به نرخ ثابت به کمتر از نصف سال ۵۶ تنزل یافته است. گرانی تصاعدی معیشت و غارت سرسام‌آور یک اقلیت وابسته به حاکمیت از یکطرف و محرومیتها و تنگناهای کمرشکن اکثریت از طرف دیگر، اختلافات طبقاتی و جدایی و کینه‌ورزی را به حد اعلی رسانده است.

همگی نگران از سرنوشت خویش و مملکت‌اند و جوانان و کارکنان به دامن اعتیاد و ارتشاء یا فساد و فحشاء افتاده‌اند!

مردم ایران می‌خواهند بدانند چه جریانها و چه کسانی سرمایه‌های عظیم ملی را که یک رقم آن ۱۷۰ میلیارد دلار درآمد نفت است به باد داده‌اند؟ تا آنجا که وزیر دارایی در مجلس می‌گوید کسری بودجه سال ۶۷ معادل کل درآمدهای ایران به اضافه ۷۶ میلیارد تومان بوده است! مردم ایران می‌خواهند بدانند چه اشتباهات و سوء سیاستها باعث شده است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از آن همه طعنه و تندبها به ابرقدرتهای غرب و بتری جستن از سازمانهای سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه‌داری، هم دست تمنا به صورت وام و مشارکت و به بهای از دست دادن استقلال و حیثیت کشور، به سوی صنایع و سرمایه‌ها و سردمداران فاسد آنها دراز کرده است و هم برای اجرای آتش‌بس و خروج از حالت نه

جنگ و نه صلح، امید و آبروی خود را به زیر سایه رأفت و لطف شورای امنیت و قدرتهای بزرگ برده است!

۲) از نظر آزادی و امنیت و از نظر معنوی و مدیریت

از آزادیهای عمومی و امنیتهای سیاسی و قضایی و اقتصادی و از حاکمیت قانون و ملت، آن طور که قانون اساسی مصوب آراء عمومی سال ۵۸ تعیین و تضمین شده است، چیزی جز خاطرات و آرزو باقی نمانده است. بندهای اختناق و انحصار سال به سال تنگتر و تیزتر شده است. نظام جمهوری با گامهای بلند، خصوصاً بعد از بازنگری خود خواسته در قانون اساسی و اختیارات مافوق قانونی که رهبری و حاکمیت به خود داده‌اند، سیر قهقرایی به ضد انقلاب مطلقه و به سلطنت موروثی روحانیت نموده است.

در زمانی چنین سیر قهقرایی به خود کامگی و اختناق در کشور ما روی می‌دهد که رهبران ستمگری و اسارت کمونیسم و فاشیسم با واقع‌نگری و جوانمردی از انحصارطلبی استعفا داده و به آزادی ملتها و کثرت‌گرایی بازگشت نموده‌اند و در اروپای شرقی و در قاره‌های عقب افتاده، امانت آزادی و حقوق انسانی را به صاحبانشان برمیگردانند. از شیلی تا رومانی همه جا پرچم آزادی و حاکمیت مردمی به اهتزاز درآمده است و در حالی که در کوهستانهای دورافتاده هیمالایا مردم نیپال تدارک جشن پیروزی بر استبداد را می‌بینند حاکمیت ما با خونسردی و تظاهر به استواری نظاره‌گری می‌نماید و به شعاردادن و ترویج شخص‌پرستی ادامه می‌دهد.

پا به پای زوال آزادی و امنیت، دو مصیبت دلخراشتر نیز دامنگیر ملت شده است. یکی انحطاط معنویت در زمینه‌های دینداری و اخلاق و وطن‌پرستی و دیگر آشفتگی و از هم گسیختگی مدیریت یا حکومت کشور.

به گونه آشکار و علیرغم وظایف و برنامه‌ها و فشارهایی که از ناحیه رهبری و متولیان در راستای اجرا و اشاعه اسلام در ایران و در اقطار جهان پیش گرفته شده است. علاقه و اعتقاد به آئین و احکام اسلامی در اکثریت وسیعی از مردم ایران خصوصاً در جوانان، تنزل فاحش یافته است. دوستی و درستی و راستی که از لوازم عشق به زندگی و بقا و ترقی است به حد تردید و تزلزل گردیده است.

احساس تعهد و خدمت و فداکاری در قبال میهن و هم‌میهنان که قبل از انقلاب رشد مطلوب پیدا کرده بود، جای خود را به سرخوردگی و بی‌تفاوتی و احیاناً به بدبینی و بدخواهی داده است.

اما از حاکمیت قانون و حکومت مردم بر مردم و از تخصص و مدیریت، چه بهتر که سخن نگوئیم. چیزی که مقامات و مسئولان نامش را همیشه به زبان آورده‌اند ولی تیشه به ریشه‌اش زده‌اند و از اعتبار و اثر انداخته‌اند قانون است و حاکمیت قانون و ملت در جمهوری اسلامی ایران. ضمن آنکه برای تخصص و صلاحیت مدیران و سازمان صحیح دستگاهها، در زبان و عمل، ضرورت و ارجی قایل نبوده‌اند. تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تضاد نهادها، ملوک الطوائفی و هرج و مرج اداری و به طور کلی بی‌اعتنائی به مسئولیت و مدیریت و نظارت، با پیامدهای ویرانگر آنها، از ویژگیهای بارز نظام حاکم می‌باشد.

۳) از نظر استقلال و بقا و بازنگری کشور

علیرغم کوس پیروزی نهایی جنگ و دفن ابدی استکبار و فتنه در جهان، هنوز بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک وطن ما در چنگ صدام جنایتکار بوده و معلوم نیست که تا کی حالت خفقان‌آور «نه جنگ نه صلح»، سرگردانی اسیران دو طرف، نگرانی از یورش نابهنگام مدعیان خارجی و داخلی و گردشهای نابهنگار روزگار، باید ادامه داشته باشد؟ بدون آنکه آبادی و رفاه و بازسازی موعود و بازگشت ایران به حرکت و حیات صورت جدی و امیدبخش به خود گرفته باشد.

۴) از نظر روابط جهانی و سیاست خارجی

اتخاذ هدفهای احساساتی افراطی، خارج از خواسته‌های نخستین انقلاب و اسلام، سیاستهای نابخردانه و بالاخره ناتوانی مسئولین و نادرستی روشهای پیروی شده در سیاست خارجی، کشور پرافتخار ایران را به بدترین انزوای سیاسی انداخته است، بدنامی و بی‌اعتباری بین‌المللی را نصیبمان کرده است و ما را در معرض دائمی توطئه‌های تلافیگرانه قرار داده است. علاوه بر اینها از ارتباط و احترام و استفاده از جریانهای بین‌المللی محروم گشته‌ایم. آن هم در دنیای بهم پیوسته وحشتناکی که ملت‌های غالب و مغلوب جهان و پیشرفته و عقب‌مانده، در عین رقابت و ترس از یکدیگر، چاره و راهی

برای کامیابی بر مسایل پیچیده و مصائب به هم آمیخته و برای بهبود و بقاء منافع ملی خود، جز تقاهم و تبادل افکار و همگامی و همکاری نیافته‌اند.

جناب آقای رئیس جمهور

با توجه به مراتب فوق از جنابعالی که مسئولیت اجرایی و اداره مملکت را به عهده دارید می‌خواهیم که با صداقت و سرعت اقدامات ذیل را سرلوحه اندیشه و اعمال خود و حاکمیت قرار دهید:

- ۱- جلوگیری از خلفها و خرابیها و از انعقاد قراردادهای اسارت‌آور با بیگانگان، بدون نظارت ملی.
- ۲- بازگرداندن حقوق قانونی مردم که در فصول سوم و پنجم قانون اساسی تصریح گردیده است به مردم و جلوگیری از سیاستهای سرکوبگرانه بعضی از نهادها.
- ۳- آزادگاردن و تأمین فعالیت احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعات که فعالیت قانونی و علنی دارند، فرصت دادن خالی از دغدغه و آزار برای بحث و گفتگو و برخورد آراء و عقاید به منظور حل مشکلات و معضلات مملکتی و همکاری صمیمانه مردم و بالاخره امکان و استقرار حاکمیت قانونی ملت.

امضا کنندگان این بیانیه که در گذشته همواره با حکومت‌های خودکامه و انحصارطلب در ستیز بوده‌اند و بسیاری از آنها به زندان و تبعید محکوم گشته‌اند، با اینکه به تجربه می‌دانند که ممکن است پس از انتشار آن از گزند بدخواهان در امان نباشند، مع‌الوصف برپایه رضای حق و احساس وظیفه و به خاطر سعادت ملت ایران، این نامه را به مقام ریاست جمهوری ارسال داشته، از ایشان می‌خواهند که با دستور نشر آن در مطبوعات و رسانه‌های گروهی قدم اول را در اجرای خواسته‌های مردم و لغو سانسور بردارند و با عنایت و اجرای بندهای سه‌گانه بالا پاسخ سریع به انتظارات به حق ملت ایران بدهند.

تهران اردیبهشت ماه ۶۹

حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی - دکتر مصطفی اخلاقی - علی اردکانی - امیر توکل - امیرابراهیمی - حاج محمد تقی انوری - دکتر غلامعلی اخروی - مهندس مهدی بازرگان - مهندس مرتضی بدیعی - عبدالله برهان‌مهر -

محمد بسته‌نگار - مهندس عبدالعلی بازرگان - مهندس سید صالح بناقتی - دکتر محمد حسین بنی اسدی - محمد علی بهنیا - دکتر فرهاد بهبهانی - دکتر منوچهر بیات - مهندس رضا پویان - دکتر نورعلی تابنده - مهندس عباس تاج - مهندس محمد توسلی حجتی - دکتر غلامعباس توسلی - محمد توسلی - مهدی چهل تنی - مهندس حسین حریری - ابوالفضل حکیمی - عزت‌الله خلیلی - حاج محمد خلیل نیا - دکتر علی خواجوی - مهندس هوشنگ خیراندیش - دکتر حبیب داوران - جمال درودی - عبدالله رادنیا - مهندس محمد رسولیان - بهمن رضاخانی - دکتر شهریار روحانی - یدالله روشن اردلان - زین‌العابدین زاخری - اکبر زرینه باف - مهندس کورش زعیم - دکتر یدالله سبحانی - صادق سرفراز - عباس سمیعی - مهندس عزت‌الله سبحانی - حسین شاه حسینی - ابوالفضل میرشمس شهشهانی - مهندس هاشم صباغیان - احمد صدر حاج سید جوادی - دکتر رضا صدر - حسن طالبی - مهندس اکبر طاهری - دکتر رحیم عابدی - محمود عمرانی - ابراهیم عینکچی - دکتر اصغر غروی - حاج سعید غفارزاده - جلال غنی زاده - مهندس مرتضی فاضلی - سرلشگر ناصر فرید - دکتر غفار فرزندی - دکتر حسن فرید اعلم - سرلشگر مرتضی فکور - مهندس عباس قائم الصباحی - مهندس مصطفی کتیرایی - محمد علی گرجستانی - حاج محمود مانیان - دکتر اسدالله مبشری - سید جواد مادرشاهی - علی مومنی - سرتیپ ناصر مجلی - دکتر علیقلی محمودی بختیاری - حاج محمد محمدی ارهالی - دکتر سید رحمت‌الله میرحقانی - سید مصطفی مصطفوی - مهندس علی اکبر معین‌فر - مهندس تقی مکی نژاد - هرمز ممیزی - خسرو منصوریان - مهندس نظام‌الدین موحد - مهندس رضا مسموعی - سید نورالله میراحمدی - مصطفی مسکین - حسن نامی - سرهنگ غلامرضا نجاتی - صادق نوبری - حسین نایب حسینی - علی وکیل - دکتر محمد هادی هادی زاده - مهندس علیرضا هندی - دکتر ابراهیم یزدی - مهندس حبیب یکتا.

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

بیانیه آغاز سی‌امین سال تاسیس

حمد و سپاس خداوند حی و قیوم را که به ما توفیق داد سی‌امین سال تاسیس نهضت را آغاز کرده و حیات و حرکت آن را ادامه دهیم. به شکرانه چنین موهبتی تنها تعبد و تسلیم او را به گردن می‌گیریم و تنها از او برای حرکت در صراط مستقیم و خدمت به بندگان استعانت می‌نمائیم.

در ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ جمعی از مردان حق که در سالهای سیاه بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ مشعل مبارزه و مقاومت را به صورت نیمه مخفی در قالب سازمان «نهضت مقاومت ملی» روشن نگه داشته بودند، به تناسب شرایط و امکانات روز اولین حزب اسلامی - ملی را برای مبارزه گسترده‌تر علیه استبداد سلطنتی و استیلای خارجی به صورت علنی پایه گذاری کردند. بسیاری از آن سابقین همچون طالقانی، عطائی رادنی و و بسیاری از تابعین پیشتاز همچون شریعتی و چمران امروز در میان ما نیستند. آنان به پیمان الهی خویش وفا کرده و صحنه را به ما سپرده‌اند و برخی دیگر در انتظاراند و همچنان استوار در عهد خدائی تن به تبدیل و تسلیم نمی‌دهند.

کوله بار امانت آن عزیزان اینک بر پشت ما است و مسئولیت عظیم انسان و آزاد بودن و مسلمان زیستن اینک بر عهده ما است.

همه ساله به خاطر گرامیداشت یاد آن پیشتازان و تجدید عهد و پیمان با پروردگار گرد هم آور می‌آیدیم و مراسمی را که با حضور بر مزار آن بزرگان آغاز می‌گردید بر پا می‌کردیم، متأسفانه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های روزافزون که آدم ربائی سال ۱۳۶۰ در بهشت زهرا و حملات مکرر به دفتر و اجتماعات و ضرب و شتم مدعوین گوشه‌ای از آن است، امکان برگزاری شایسته چنین مراسمی را از ما سلب کرده است و ناگزیریم در محیط بسته و محدود و در جمع مختصری از اعضاء این رسم را زنده

بداریم، ولی امیدمان به خدا و صبر توکلیمان به او است و از درگاهش هدایت و ثبات قدم و نصرت بر
پرده پوشان حق می‌طلبیم.

متأسفانه علیرغم انقلاب و دگرگونی احوال هنوز نه از آزادی خبری است و نه از حضور «جمهور»
مردم در تصمیم‌گیری و نه از «اسلام»، جز تشریفات و اسم و رسم آن.
امروز نیز همان انگیزه‌هایی که موجب تاسیس نهضت گردید به شدت و قوت بیشتر باقی است و
همت و پایداری بیشتری طلب می‌کند - اینک مائیم و ابتلای عظیم الهی.

تهران ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

**نامه به شورای سردبیری روزنامه کیهان در مورد
مقالات و اتهام‌های مندرج علیه نهضت**

شماره: ۱۳۹۱

تاریخ: ۶۹/۳/۱

شورای سردبیری روزنامه کیهان

در شماره‌های اخیر آن روزنامه مقالات و مصاحبه و اتهام‌های برنامه‌ریزی شده‌ای از طرف آقایان سیدعلی‌اکبر محتشمی و مهدی نصیری علیه نهضت آزادی ایران انتشار یافته است و این حزب را که از سابقه‌دارترین احزاب ملی اسلامی و مبارز راستین در برابر استبداد و استیلاي خارجی، همچنین مدافع خواسته‌های اصیل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، متهم به تبانی با سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا (سیا) برای براندازی حاکمیت نموده و نامه‌ای را که اخیراً به امضای ۹۰ نفر از آزادیخواهان ایران در انتقاد از انحرافات و نابسامانیها به رئیس جمهور نوشته شده است «وظیفه دیکته شده از طرف آمریکا به نهضت آزادی» معرفی نموده است.

نهضت آزادی ایران ادعای واهی و بی‌اساس تماس با بیگانگان را کذب محض و عاری از کوچکترین حقیقت اعلام نموده و به اکاذیب و افتراهای اشخاص فوق و اقدام غیرمسئولانه روزنامه کیهان در انتشار این اتهامات قبل از آنکه در دادگاه صالحه‌ای مورد رسیدگی و قضاوت قرار گرفته باشد شدیداً اعتراض می‌نماید.

بدبینی‌ترین حقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مطبوعات و بالاتر از آن رسم انسانیت و انصاف و شرع انور اسلام برای مردم این مملکت قائل شده است احترام به حیثیت و شئون

آنان و اجازه و امکان دفاع در برابر تجاوز و تهمت و توهین می‌باشد. مطبوعات و روزنامه نگارانی که موظف و مدعی روشنگری افکار عمومی و دفاع از عدالت و آزادی می‌باشند قاعداً باید خود را بیش از هر مقام و هرکس مراقب و مجری این اصول بدانند.

نهضت آزادی ایران نه خود را مصون از خطا و اشتباه می‌داند و نه دیگران را. توقع هم نداریم همگان تاییدکننده نظریات و آراء ما در امور جامعه و سیاست کشور بوده اعتراض و مخالفت ننمایند، ولی می‌گوئیم چرا جوانمردانه و به صورت انسانی و اسلامی عمل نمی‌کنید؟ روزنامه کیهان و نویسندگان آن تا کی می‌خواهند بر فضای کشور انقلاب کرده ایران جوسازی و هوچیگری با رسوم جاهلیت و جنگل حکمفرما باشد؟! مگر راههای قانونی و آدمی برای اعتراض و جلوگیری از خطا و انحراف به روی آقایان بسته شده است؟

در هر حال علیرغم تجربه دفعات گذشته تقاضای قانونی و انتظار ما از سرپرستی و مسئولین کیهان آن است که اگر اهل تدین و تعهد و تعبد به حق هستند دستور دهند هر چه زودتر علاوه بر درج این نامه و جوابیه آذرماه گذشته (ولو با دریافت هزینه به عنوان آگهی) ترتیب مصاحبه‌ای را با مسئولان نهضت در پاسخ مصاحبه مورخ ۶۹/۲/۳۰ آقای محتشمی بدهند. بدیهی است پاسخ اتهامات و اکاذیب آن مصاحبه و مقالات در صورتی که تعهدی در انتشار آن بنمائید مشروحاً داده می‌شود.

در ضمن اظهارات نادرست و اتهامات ناروای آقایان محتشمی و نصیری به نهضت آزادی ایران و اعضا و دبیرکل آن به استناد نامه‌ای به تاریخ ۶۶/۱۱/۱۰ ایراد شده است که صدور آن را به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نسبت داده‌اند، در حالی که در هر سطر آن نشانه‌ها از ساختگی بودن و کذب وجود دارد و خود رهبر انقلاب در وصیتنامه خویش با پیش‌بینی چنین سوء استفاده‌هایی تاکید کرده‌اند:

«اکنون که من حاضرم بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من حجم آن افزوده شود لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد با تصدیق کارشناسان، یا در صدای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.»

نهضت آزادی ایران دلائل جعلی بودن نامه ادعائی را مشروحاً برای نشریه «پاسدار اسلام» که برای اولین بار به تقاضای آقای محتشمی به درج نامه انتسابی اقدام کرده بود ارسال داشته و رونوشت آن را به همراه پاسخ اتهامات ایشان در شماره سی‌ام آبان ماه ۶۸ روزنامه کیهان فرستاده بود که متأسفانه برخلاف قانون مطبوعات از درج آن خودداری کردید. اینک بار دیگر رونوشت نامه مذکور را ارسال می‌دارد تا اگر معتقد به قضاوت بی‌طرفانه هستید به درج آن اقدام نمائید.

نهضت آزادی ایران

اول خرداد ماه ۱۳۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۳۹۳

تاریخ: ۶۹/۳/۵

اطلاعیه پیرامون

جوسازی و جنجال بی سابقه علیه تقاضا کنندگان آزادی و اجرای قانون

هموطنان شرافتمند از جوسازی و جنجال اخیری که از هفته قبل علیه یک نامه نود امضائی که در اردیبهشت ماه به عنوان مقام ریاست جمهوری صادر شده است، آگاهی دارند.

آنچه در این نامه با امضای شخصیت‌های شناخته شده ایران خواسته شده است اعطای آزادی بیان و مطبوعات و اجتماعات موافقین و مخالفین، به منظور تأمین حاکمیت قانون و ملت، بر طبق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

آقای سید علی اکبر محتشمی و برخی افراد ناشناخته دیگر با استفاده از مطبوعات در اختیار، اولاً نهضت آزادی را مبتکر و مقصر آن نامه اعلام کرده‌اند، در حالی که نامه با امضاهای شخصی جمعی از آزادی خواهان ایران و از جمله عده‌ئی از اعضای نهضت آزادی ایران بوده است. ثانیاً یک نامه‌ئی با تاریخ ۶۶/۱۱/۳۰ از رهبر انقلاب را برای توهین و تهمت و طرد نهضت آزادی در مقاله خود در روزنامه کیهان ۶۹/۲/۳۰ آورده است که دلائل و قرائن زیادی حکایت از عدم اصالت و ساختگی بودن آن می‌نماید.

ثالثاً روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۶۹/۲/۲۹ یک افترا و داستان واهی بی اساس را از قول «منابع موثق!» درج و ادعا کرده است که امضا و انتشار نامه نود امضائی ناشی از توطئه مشترک سیا و نهضت آزادی بوده است و به این ترتیب دستاویز ناجوانمردانه به جوسازان و به دشمنان آزادی و اجرای قانون، برای کوبیدن نهضت آزادی ایران و ارباب تقاضا کنندگان آزادی داده است.

نهضت آزادی ایران با وجود دست بستگی و محدودیتهائی که محصور در آن می‌باشد به منظور دفاع مشروع و احقاق حق خود و هموطنان مبادرت به ادای پاسخ برای تکذیب و تصحیح موارد اتهام به دو روزنامه کیهان و جمهوری اسلامی نموده است و اینک با توجه به رویه گذشته مطبوعات رسمی که معمولاً از درج پاسخ و دفاعیات ما علیرغم قانون مطبوعات خودداری می‌کنند، متن آنها را ذیلاً به آگاهی هموطنان عزیز می‌رسانیم.

البته ابراز و سوءاستفاده از نامه انتسابی به رهبر فقید انقلاب تازگی نداشته است. قبلاً نیز آقای محتشمی در تاریخهای ۶۸/۸/۳۰ و دی‌ماه ۶۸ در روزنامه کیهان و در ماهنامه پاسدار اسلام مطالب افترا و اتهام علیه نهضت آزادی منتشر کرده و فتوکپی نامه را به ماهنامه مذکور داده بوده است. در آن موقع نیز پاسخ، توضیح و اعترای برای کیهان و پاسدار اسلام فرستاده شد که برخلاف قانون مطبوعات از درج آن خودداری کردند.

اعلام جرم و شکایتی نیز به دادسرای تهران در تاریخهای ۶۸/۹/۲۶ و ۶۸/۱۰/۱۸ فرستادیم. شکوائیه دوم نهضت آزادی ایران پس از چند ماه به جریان افتاده است و اخیراً آقای مهندس مهدی بازرگان دبیر کل نهضت آزادی را برای طرح شکایت به بازپرسی دعوت کرده‌اند.

کمترین انتظار ما و علاقمندان به حق و عدالت در مملکت این است که رسیدگی با رعایت موازین اسلامی و قانونی به عمل آید.

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۳۹۴
تاریخ: ۱۳۶۹/۳/۵

اطلاعیه مطبوعاتی پیرامون

احضار آقای مهندس مهدی بازرگان دبیر کل نهضت آزادی ایران

به دادرسی عمومی تهران

مجله پاسدار اسلام در شماره دیماه ۱۳۶۸ آن مجله مقاله‌ای به قلم آقای علی اکبر محتشمی علیه نهضت آزادی ایران حاوی اتهامات کذب و برخلاف واقع همراه نامه‌ای منسوب به رهبر فقید انقلاب اسلامی درباره نهضت آزادی به چاپ رسانده بود.

نهضت آزادی ایران در اعتراض به اتهامات کذب مندرج در مقاله مذکور در تاریخ ۶۸/۹/۲۶ علیه آقای محتشمی به قوه قضائیه شکایت و اعلام جرم نمود.

پس از گذشت حدود ۵ ماه از اعلام جرم مذکوره و در شرایط کنونی جامعه، آقای مهندس مهدی بازرگان در تاریخ ۶۹/۲/۴ برای ادای توضیحات به عنوان شاکی به دادرسی احضار گردیدند که تا کنون دو بار در تاریخ‌های ۶۹/۲/۲۵ و ۶۹/۳/۱ در شعبه ۳۲ دادرسی عمومی تهران حضور یافته‌اند، که نتایج به خواست خدا متعاقباً به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید.

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

اطلاعیه پیرامون بازداشت برخی از امضاکنندگان نامه سرگشاده
به رئیس جمهور

شماره: ۱۳۹۵

تاریخ: ۶۹/۴/۳

امتحانی که حاکمیت داد

هموطنان عزیز

در اردیبهشت ماه ۶۹ نامه‌ای به عنوان رئیس جمهور، به امضای ۹۰ نفر از آزادگان ایران و علاقمندان به سرنوشت ملک و ملت منتشر گردید. در آن نامه با اشاره به مشکلات موجود و مصائب مشهود و انعکاس نارضائیهای همگانی، از حاکمیت خواسته شده بود با تأمین حقوق و آزادیهای ملت آنطور که در قانون اساسی آمده است و شنیدن نظریات و خواسته‌های مردم راه را برای مشارکت عمومی در حل بحران و معضلات کشور باز نمایند.

حاکمیت انحصارگر ایران در طیف جناحهای خود به جای توجه به تقاضای منطقی و مشروع عده‌ای از شخصیت‌های شرافتمند و با شهامت ایران و احترام گذاردن به شهروندان سالخورده و شناخته شده مملکت، متوسل به سلاحهای ناجوانمردانه‌ای از قبیل بی‌اعتنائی، اسائه ادب، اهانت، تحریف و هوچیگری و بالاخره افسانه‌سازی پوسیده جاسوسی و دستورگیری از بیگانه در حق پاکترین فرزندان این مرز و بوم گردیده و سرانجام علیرغم آنکه انتشار نامه و عدم مزاحمت امضا کنندگان را نشانه وجود آزادی در ایران گرفته بودند عده معتنابهی از فعالین آنها در جمعیت و نهضت را بازداشت کردند.^۱ دادسرای انقلاب

۱- تا این تاریخ و تا آنجا که اطلاع رسیده است آقایان: علی اردلان - مهندس عبدالعلی بازرگان - دکتر حسین بنی اسدی - دکتر فرهاد بهبهانی - دکتر نورعلی تابنده - مهندس محمد توسلی حجتی - دکتر حبیب الله داوران - مهندس عزت الله سبحانی -

اسلامی تهران نیز برخلاف نص صریح قانون اساسی و قانون احزاب و اصول دادرسی، جمعیت قدیمی و قانونی علنی «دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» را غیرقانونی و ممنوع از فعالیت اعلام کرد.

نامه ۹۰ امضائی و واکنشهای بعدی آن آزمایشی شد تاریخی. حاکمیت ایران نشان داد که شهادت شنیدن حرف حساب و انتقاد مخالفین را ندارد، تقاضای آزادی و اجرای قانون اساسی را نمی‌پذیرد، از امضای جمعی افراد ملت عصبانی می‌شود و مراجعه معقول به مقامات مسئول را ذنب لایغفر تلقی کرده به نارواترین کیفر می‌رساند.

نهیست آزادی ایران با فریاد اعتراض و ابراز تاسف از این برخورد و برداشت و با نگرانی عمیق از سلامت بازداشت شدگان و از رفتارهای ناهنجار مامورین برای تخلیه اطلاعات و تحویل مصاحبه و اقرار و از ناراحتیهای خانواده‌ها گزارشی به ملت ایران و به طرفداران عدالت در جهان داده تظلم به درگاه رب‌العالمین می‌نماید که ارحم الراحمین است و اشد المعاقبین. ما مصرانه خواهان آزادی و عذرخواهی از بازداشت شدگان و اعلام بطلان حکم غیرقانونی دادستان انقلاب اسلامی تهران می‌باشیم و اگر حاکمیت اصرار به بازداشت و بازپرسی دارد و راست می‌گوید اقتضای قانونی و مسلمانی این است که بر طبق قوانین حاکم و تعهدات حقوق بشر عمل شده به بازداشت شدگان اعلام اتهام کرده باشند، اجازه گرفتن وکیل بدهند و هر چه زودتر رسیدگی به اتهام را به دادگاه صالحه دادگستری با حضور هیئت منصفه ارجاع نمایند. . . و بدانند که:

« »

نهیست آزادی ایران

تهران سوم تیرماه ۱۳۶۹

حسین شاه حسینی - شمس‌الدین شهشهبانی - مهندس نظام الدین موحد - مهندس هاشم صباغیان - دکتر رضا صدر - عباس قائم الصباحی - خسرو منصوریان - و مهندس محمود نعیم پور جزء بازداشت شدگان می‌باشند.

اطلاعیه به مناسبت فاجعه زلزله ۳۱ خرداد

شماره: ۱۳۹۶

تاریخ: ۶۹/۴/۴

ملت عزیز ایران

با عرض نیاز و امید به درگاه قادر سبحان و با دل و دیده گریان فاجعه ویرانگر زلزله بی‌سابقه مورخ ۳۱ خرداد ماه در مناطق گسترده‌ای از کشور عزیزمان را به مصیبت‌دیدگان و ملت ایران تسلیت گفته از همه مردم غیور و نوع دوست می‌خواهیم که از هر طریق قابل اطمینان کمک‌های خود را به نیازمندان برسانند.

بسیار متأسفیم که محدودیتها و تنگناهای ایجاد شده از طرف حاکمیت مانع از آن گردیده است که نهضت آزادی بتواند مانند گذشته رأساً عهده‌دار عمل و خدمتی گردد.

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

بیانیه در مورد ضرورت مذاکرات مستقیم برای صلح

دور جدید مذاکرات صلح میان نمایندگان کشورهای ایران و عراق، تحت نظر دبیر کل سازمان ملل متحد در مقر این سازمان در ژنو، آغاز گردیده است. طرفین مذاکره کننده قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را چهارچوب قابل قبولی برای مذاکره خود دانسته و اظهار امیدواری کرده‌اند که از این طریق بتوانند به حالت نه جنگ و نه صلح کنونی خاتمه دهند.

بررسی اثرات دراز مدت سیاسی، اجتماعی، نظامی جنگ تحمیلی نیاز به گذشت زمان دارد. اما یکی از پیامدهای نامطلوب آن، خصوصاً برای کشورمان وضعیت نه جنگ و نه صلح می‌باشد. با توجه به ضرورت نوسازی و بازسازی هرگونه تلاشی برای حل این مسئله و خاتمه دادن به این حالت و وضعیت، از طرق مختلف، از جمله فعالیت دیپلماسی هم ضروری است و هم می‌تواند مثبت و مفید باشد. بدون شک هر تماس و مذاکرات مستقیم میان طرفین از ابزار و لوازم اولیه حل سیاسی این بحران می‌باشد. اگر چه در شرایط خاص روانی - سیاسی حاصل جنگ، مذاکرات مستقیم در مرحله اول امکان پذیر نبود، اما بنا به دلایل و تجارب تاریخی در مناسبات بین‌المللی، مذاکرات مستقیم اکثراً مفیدتر و موثرتر است. در مذاکرات غیرمستقیم، منافع و انگیزه‌های واسطه یا واسطه‌ها که الزاماً در جهت منافع و مصالح طرفین مذاکره نیست، در روند مذاکرات اثر می‌گذارد.

با توجه به این ملاحظات آغاز مذاکرات مستقیم بین دولت‌های ایران و عراق در چهارچوب قطعنامه قبول شده از طرف ایران تحت پوشش و نظارت دبیر کل سازمان ملل متحد، و نه با وساطت دولت‌های منطقه که باعث آن بوده و در صورت رعایت اصول لازم در این نوع فعالیت‌ها، فقط شروع مفیدی برای حل بحران می‌باشد.

اگر چه طرفین قطعنامه ۵۹۸ را چهارچوب قابل قبولی برای مذاکرات اعلام داشته‌اند اما نباید فراموش کرد که در بند اول این قطعنامه، که مهمترین و اساسی‌ترین آن نیز می‌باشد، تعریف دقیق، روشن و قابل قبولی از «مرزهای شناخته شده بین‌المللی» ارائه نشده است. در حالی که توافق بر سر چنین تعریفی حائز اهمیت است. از آنجا که این مسئله با تمامیت اراضی کشور و احترام و اعتبار انقلاب اسلامی سروکار دارد، و هیچ فرد یا گروه علاقمند به ایران نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد لذا نهضت آزادی ایران توجه همگان را به این نکته جلب می‌نماید که قرارداد ۱۹۷۵ بین ایران و عراق، امضا شده در الجزایر، سند محکم و بین‌المللی قابل قبول و استنادی هست که مرزهای بین‌المللی بین دو کشور را خصوصاً در مورد رودخانه مرزی اروند رود (شط‌العرب) به نحو شایسته و عادلانه‌ای برای هر دو کشور، تعریف و تعیین نموده است و دبیرکل سازمان ملل نیز در برنامه اجرای قطعنامه ۵۹۸ به آن استناد نموده است.

به نظر نهضت آزادی ایران، تنها زمانی ملت ایران می‌تواند علی‌رغم جنگ تحمیلی، به نتیجه این مذاکرات و حسن ظن دولت عراق اطمینان حاصل کند که آن دولت خود را به قرارداد ۱۹۷۵ همچنان متعهد بداند، از مفاد قرارداد تمکین نموده و بپذیرد که بر اساس آن مسائل و مشکلات بین دو کشور یکباره و برای همیشه حل شود. و تنها در این صورت است که صلح و آرامش بین دو کشور همسایه برقرار خواهد شد.

نهضت آزادی ایران

۶۹/۴/۱۸

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس قوه قضائیه در مورد سخنان ایشان در نماز جمعه

نظام عبرت

آیت الله جناب آقای شیخ محمد یزدی

ریاست محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

جنابعالی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه ۲۴ تیر ماه جاری مطالبی در انتقاد از انتقادکنندگان بیان داشتید و ایراد به کسانی گرفتید که در مسأله نظام جمهوری اسلامی ایران مصلحت اندیشی نمی‌کنند و تشخیص «الاهم فالاهم» را نمی‌دهند.

این مطلب به گمان بسیاری از شنوندگان آن خطبه ارتباط با نود نفر امضا کنندگان نامه مورخ اردیبهشت ماه ۶۹ به مقام ریاست جمهوری که تعدادی از آنان از نهضت آزادی هستند، داشت. قسمت دیگری از اشاراتتان نیز می‌تواند پاسخ اعتراضها و تذکراتی بوده باشد که از سوی عده قابل توجهی از ایرانیان طرفدار آزادی و حاکمیت ملت و قانون، در داخل و خارج کشور و حتی از شخصیت‌های بین‌المللی علیه دستگیری تقریباً بیست نفر از امضا کنندگان آن نامه بیان شده و تقاضای لغو حکم خلاف قانون دادستان انقلاب اسلامی تهران گردیده است.

نهضت آزادی ایران از این که رئیس قوه قضائیه کشور خواسته است به اظهارات و شکایت قانونی افراد و گروه‌های صاحب حق و صاحب نظر ملت ترتیب اثر دهد - اگر چه به صورت ملایم و زبانی و ضمنی - خوشحالی است، خصوصاً که شیوه برخورد برخلاف رسم معمول بدون اهانت‌های مرسوم و اتهام‌های معمول بوده است.

ایراد جنابعالی این بود که در حالی که به گفته رهبر انقلاب، نظام جمهوری اسلامی ایران الگوی حرکت برای یک میلیارد مردم مسلمان کشته است، انگشت گذاردن روی نقاط ضعف و منفی، باعث

تضعیف نظام و بی‌آبرویی و بی‌اثری آن در خارج خواهد شد و چون به موقعیت اسلام در دنیا لطمه وارد خواهد ساخت، خیانت به تاریخ اسلام محسوب می‌شود. علاوه بر آن اعتراض داشتید که چرا رسانه‌های خارجی نسبت به عمل دولت جمهوری اسلامی ایران تا این اندازه جنجال و جدل بر پا کرده‌اند؟

ما بدون آنکه بخواهیم در ارزیابی صحت و سقم نکات فوق (الگو بودن نظام حاکم ایران برای یک میلیارد مردم مسلمان جهان و محکوم بودن اعتراض و انتقاد نسبت به خرابیها و خطاها) وارد شویم، می‌گوئیم که به گونه‌های دیگری نیز می‌شد مسئله را طرح کرد و جلوی انتقاد و جنجال و یا به قول جنابعالی تضعیف نظام را گرفت.

یکی این که حاکمیت با ابراز حسن نیت و قصد خدمت در تحقق خواسته‌های ملت که اهداف نخستین و راستین انقلاب است و رعایت صادقانه قانون و عدالت، از یکطرف و با اتخاذ شیوه‌های صحیح سیاست و مدیریت، از طرف دیگر محل و مجالی برای انتقاد و اعتراض باقی نمی‌گذاشت. دیگر آن که مبادرت به آن عمل خلاف انسانیت و اصول و بی‌سابقه (یا کم سابقه) در عالم قضاوت و دیانت، یعنی دستگیری موجهین جامعه و فرستندگان نامه تظلم و تقاضا به مقام اول اجرائی مملکت نمی‌کرد تا موج اعتراض و جنجال رسوائی در نزد کافر و مسلمان برانگیخته نشود.

ما جنابعالی را حکم قرار می‌دهیم تا قضاوت فرمائید که وقتی دست اندرکاران کشور در رسانه‌های جمعی انحصاری اعلام می‌کنند که در هیچ جای دنیا آزادی که در ایران وجود دارد، دیده نمی‌شود و بعد به دستور یا موافقت همان مقامات و به سبک پلیسی غافلگیرانه، اقدام به دستگیری جمعی تقاضاکنندگان آزادی و اجرای قانون اساسی می‌شود آیا اثر سوء این حرکت و تکذیب عملی و آشکار ادعای مقامات جمهوری اسلامی به دست خودشان بیشتر به حیثیت و شهرت «نظام الگو» لطمه زده است و می‌زند یا بیان فهرست‌وار چند فقره انتقاد بدیهی و قدیمی اقتصادی، اجتماعی، اداری و سیاسی که در همه کشورهای متمدن و دمکراتیک متداول می‌باشد؟

با سرپوشی که روی واکنش غیرمنتظره دستگاه حاکمیت در این جریان گذاشته شده است برای برخی از تحلیلگران این سؤال مطرح شده است که نکند رابطه‌ای بین دستگیری آزادیخواهان مخالف

استقراض از خارجیان در غیاب نظارت مردم، با اصرار دولت بر عدم طرح و تصویب رسمی وامها در مجلس وجود داشته باشد.

جناب آقای شیخ محمد یزدی!

جنابعالی در پیش درآمد و در پایان خطبه نماز جمعه به مناسبت تقارن با عید فرخنده غدیرخیم فرموده‌اید که اگر خداوند سبحان به پیامبر برگزیده خود دستور ابلاغ ولایت علی (ع) را نداده بود و تاریخ اسلام از خلافت چهار پنج ساله امیرالمومنین علی (ع) محروم شده بود امروز ما دستورالعمل و الگوئی برای حکومت اسلامی نداشتیم. سؤال ما از شما و متولیان نظام این است که آیا هیچ یک از اسناد تاریخی سیره و سنت نشان می‌دهد که حضرت امیر - الگوی حکومت اسلامی - حتی برای یکبار متقاضیان و متظلمان و منتقدان و نامه نگاران به خود را مورد بی‌اعتنائی یا اهانت و اتهام قرار داده و به زندان انداخته باشد؟ حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود، با مخالفان حکومت چگونه رفتار می‌کرد و متولیان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی چه روشی دارند؟ آیا ولی امر مسلم مسلمانان و پیشوای اول شیعیان که عقیده دارید باید از او تبعیت کرد نصیحت و تذکر و انتقاد را عمل خلاف مصلحت و حرام می‌دانست یا برعکس، صریحاً آنطور که در خطبه ۲۰۷ نهج‌البلاغه آمده است. وظیفه مردم را نصیحت و دلالت زمامداران و از جمله خودش می‌دانست؟^۱

اگر علی (ع)، همانطور که می‌دانید در دوران خلافت، به قاضی کوفه اعتراض می‌کند که چرا در دادگاه او را با کنیه‌اش خطاب کرده است و شاکی یهودی را با نام ساده، در نماز جمعه گذشته پای منبرتان نشسته بود حتماً شما را که قاضی‌القضات جمهوری اسلامی هستید توبیخ می‌فرمود که چرا متقاضیان اجرای قانون اساسی و متظلمان مظلوم و محروم از دفاع را قبل از رسیدگی و محاکمه اسلامی و قانونی گناهکار تشخیص داده و سرزنش کرده‌اید ولی طرف خطاکار صاحب زور را بالبداهه بی‌تقصیر و مبراء تلقی نموده، مداح و وکیل مدافعش هم شده‌اید!

۱- فراز ۱۵- «مبادا در گفتن حرف حق و مشورت به عدل (نسبت به من) امتناع کنید و خود را کنار بکشید چرا که من به نظر خودم بالاتر از آن نیستم که خطا نکنم و نه در کار خویش از خطا ایمن هستم. مگر آنکه خدا مرا کفایت کند که او از من به خودم مالکتر است.»

درست است که قرآن به مسلمانان توصیه می‌کند که در رفتار و کردار خود و برداشت‌هایشان از دین، الگو برای مردم جهان باشند ولی راه الگو شدن را تاسی به رسول خدا می‌داند^۱. بنابراین اگر خلوص نیت و صداقت در ادعای الگو بودن نظام جمهوری اسلامی ایران باشد الگو شدن برای مسلمانان و دنیا تنها با تبعیت از سنت و سیاست پیامبر گرامی اسلام و عترت پاک او^۲، از جمله علی بن ابیطالب تأمین می‌گردد، نه با خفه کردن صدای هموطنان منادی قانون و آزادی و عدالت. دنیا وقتی عدالت و انصاف و انسانیت از یک نظام ببیند بدون نیاز به تبلیغ و تحمیل، جنجال تبعیت و تحسین به راه خواهد انداخت. اما اگر که روش و رفتار نظام الگو دهنده، اسوه و الگو گرفتن از رسول خدا و علی مرتضی نباشد و متولیان نظام به شیوه‌های شیطانی و ضد انسانی، بر طبق دلخواه و مصلحت اندیشیهای خودشان عمل کنند چه بهتر که مسلمانان جهان از آن نظام درس و دستور نگرفته، گمراه و تباه نشوند! و نخواهند شد.

جناب آقای شیخ محمد یزدی

فرصت خوبی برای جنابعالی که در رأس قوه قضائیه هستید و قضات را به قانونگرایی و استقلال توصیه می‌فرمائید پیش آمده است. اگر از روی استقلال و انصاف و عدالت دستور دهید که اولاً حکم خلاف قانون اساسی و قانون احزاب دادستان انقلاب اسلامی تهران، دائر بر غیرقانونی بودن و ممنوع از فعالیت شدن جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران ملغی اعلام شود. ثانیاً فرمان آزادی دستگیر شدگان بناحق و عذرخواهی از آنان صادر گردد^۳، هم آبرو و حیثیت برای نظام جمهوری اسلامی ایران خریدارید، هم تاسی به رسول خدا و ولی خدا کرده‌اید و هم نظام جمهوری اسلامی را الگو و سرمشق نیکو برای حکومت‌های دیگر دنیا، اعم از مسلمان و غیرمسلمان قرار داده‌اید.

اگر آقایان نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به رسول اکرم (ص) و به آن که پیامبر گرانقدر دربارهاش فرموده است «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» تاسی کنند اقلاً عبرت و الگو از رهبر شجاع و واقعیت‌گرای روسیه شوروی بگیرند که با مردانگی و مصلحت اندیشی، اعتراف به بیراهه بودن برنامه‌های هفتاد ساله

1- «

« (بقره - ۱۴۳)

2- حکم حدیث معتبر «ثقلین».

3- و اگر اتهام مستندی وجود دارد سریعاً در یک دادگاه علنی دادگستری بر طبق موازین قانونی و با حضور هیئت منصفه محاکمه شوند.

نظام حاکم کرد و گام صادقانه‌ای در راه آزادی و آزادی ملت‌های تحت ولایت روسیه برداشت و با این کار در دنیای وحشت و تخاصم تخم صلح و دوستی و همکاری کاشته، خدمت عظیم به بشریت قرن بیستم کرد!

.

تهران - ۲۸ تیرماه ۱۳۶۹

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۴۰۰

تاریخ: ۶۹/۵/۴

تلگرام مهندس بازرگان به ریاست قوه قضائیه در مورد فشار و آزار به دستگیرشدگان نامه ۹۰ امضایی

کاخ دادگستری

آیت الله شیخ محمد یزدی ریاست محترم قوه قضائیه

با حمد خدا و دعای توفیق جنابعالی در احقاق حقوق مظلومین و متظلمین، شایعات اخیر داخل و خارج راجع به فشار و آزار دستگیر شدگان نامه نود امضایی به منظور تحمیل مصاحبه و اقرار باعث نگرانی فوق العاده خانواده‌های آنان و طرفداران آزادی و قانون شده است. اگر چه بعید است عاملین و مسئولین دست به جرم و جنایتی بزنند که نتیجه‌اش رسوائی و بدنامی دستگاه در پیش خلق و خدا باشد معذالک لازم شد اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف کلیه دستگیر شدگان پیشاپیش اعلام دارم که هر گونه اقرار و اعلام یا مصاحبه که به نام یا از زبان آقایان در شرایط حاضر زندان با توجه به روال گذشته پخش یا اعلام گردد فاقد اعتبار قانونی و شرعی و کمترین ارزش و اثر سیاسی و تبلیغاتی خواهد بود جز آنکه مظلومیت دستگیرشدگان و محکومیت متولیان را ثابت نماید.

تنها چیزی که قابل قبول می‌باشد بازپرسی صحیح و محاکمه و قضاوتی است که بر طبق قانون اساسی و موازین دادرسی مصوب در یک دادگاه صالحه دادگستری با حضور هیات منصفه

و حق انتخاب وکیل و سایر حقوقی که قانون برای متهمین سیاسی قائل شده است، صورت گیرد.

دو نکته را نیز متذکر می‌گردد: یکی اینکه بر طبق قوانین مملکت علاوه بر اینکه فشار و شکنجه به منظور اقرار ممنوع شده است عامل یا عاملین مستوجب مجازات می‌باشند. دیگر آنکه احادیث معتبر مکرری از ائمه اطهار به نقل از جدشان امیرالمومنین (علیهم السلام) وارد شده است مبنی بر اینکه هرگونه اقرار که در زندان در حال ترس صورت گیرد خالی از اعتبار می‌باشد و نمی‌تواند سند جرم و باعث مجازات شود.

تهران - چهارم مرداد ۶۹

مهدی بازرگان

دبیر کل نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۴۵۱

تاریخ: ۶۹/۵/۶

اعتراض به دخالت نمایندگان آمریکائی در امور ایران

هموطنان عزیز

اخیراً جمعی از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا با امضای یک نامه به طرح مسئله‌ای پرداخته‌اند که دخالت آشکار در امور داخلی ایران محسوب می‌شود.

نهضت آزادی ایران با ارسال نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد نسبت به این حرکت تحریک‌آمیز و مداخله‌گرانه اعتراض و آن را محکوم نموده است. ترجمه نامه مذکور به شرح زیر است:

تهران - ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۰

جناب آقای خاویر پرز دکوئیار

دبیرکل سازمان ملل متحد

نیویورک ن.ی. ایالات متحده آمریکا

عالیجناب!

همانطور که احتمالاً اطلاع دارید ۱۶۲ نفر از اعضای مجلس نمایندگان ایالات متحده اخیراً نامه‌ای مبنی بر توصیه به حمایت ایالات متحده از برخی گروه‌های سیاسی ایران امضا کرده‌اند.

این نامه علاوه بر تحریک‌آمیز بودن بسیار، از دولت ایالات متحده درخواست دخالت آشکار در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران می‌نماید. این گونه اعمال نقض اصول و مقررات منشور ملل متحد و یادآور خاطرات تلخ گذشته مانند کودتای طراحی شده توسط سیا در ۱۹۵۳ و نیز عملیات نظامی طبس در ۱۹۸۰ می‌باشد.

نهضت آزادی ایران شدیداً نسبت به مضمون نامه اعتراض و آنرا محکوم می‌کند. به ویژه آنکه از سوی ملتی که مدعی حمایت از ارزشهای دموکراتیک و احترام به حقوق بشر و نیز سایر ملتها است. ما موکداً از آن جناب درخواست می‌کنیم که با استفاده از تمام قدرت و امکانات خود مقامات ایالات متحده را وادار به خودداری از دخالت در امور داخلی ما نمائید.

با احترام

از طرف نهضت آزادی ایران

مهدی بازرگان، نخست‌وزیر اسبق

ابراهیم یزدی وزیر اسبق امور خارجه

تهران ۶ مرداد ماه ۱۳۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۴۰۲
تاریخ: ۶۹/۵/۲۴

تلگرام به سازمان صدا و سیما
در مورد پخش مصاحبه آقای بهبهانی

جناب آقای محمدهاشمی، مدیرعامل سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
خیابان ولی عصر، خیابان جام جم

در روز دوشنبه پانزده مرداد ۶۹ متنی از سیمای جمهوری اسلامی در زبان آقای دکتر فرهاد بهبهانی خوانده و اجرا شد که طی آن به دفعات مطالب کذب، موهن، تهمت و افترا درباره نهضت آزادی ایران و دبیرکل آن عنوان گردید. لذا بدینوسیله درخواست می‌شود که بر طبق مقررات ناظر بر رسانه‌های جمعی به دبیرکل یا نماینده‌ای از نهضت اجازه و امکان داده شود که برای روشن شدن اذهان عمومی و پاسخگوئی به اظهارات خلاف واقع مذکور در زمانی مساوی با مدت همان برنامه توضیحاتی بدهند.

با تشکر

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۲۴ مرداد ۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۴۰۳
تاریخ: ۶۹/۵/۳۱

تحلیل پخش مصاحبه آقای بهبهانی از سیمای جمهوری اسلامی
« هیأت حاکمه در نمایش ضعف »

برای آگاهی و داوری هموطنان شرافتمند و پویندگان حق و
حقیقت که نمایش دوشنبه شب ۱۵ مرداد ماه تلویزیون را تماشا
کرده‌اند، نمایشی تحت عنوان «اعترافات عضو شورای مرکزی
جمعیت باصطلاح دفاع از آزادی در مورد رابطه این گروه با
آمریکا»

هموطنان عزیز،

هیأت حاکمه واقعاً شاهکار زد!

وقتی نمی‌خواهند (یا نمی‌توانند) راه قانون و عدالت و انسانیت و حکم خدا را پیش گیرند به ناچار
تشبیه به کذب و اتهام و وسوسه‌های شیطانی شده راههای رسوای ساواک و محمد رضا شاه را در پیش
می‌گیرند!

آیا اینها دل حق‌جو و دیده حقیقت بین دارند که چنین می‌کنند؟

* * *

فیلمی را که در استودیوهای وزارت اطلاعات در برابر نامه نود امضائی اردیبهشت ماه گروه
غیرمتشکلی از ایرانیان مسلمان میهن‌دوست حق‌طلب دردمند شناخته شده به رئیس جمهور، تهیه شده
بود همه دیدید، یا شنیدید و بهت زده شدید!

بهت زده نه از جهت اطلاعات تازه و اتهامات بی‌پایه‌ای که در قلم و زبان آقای دکتر فرهاد بهبهانی گذارده شده بود، بلکه از تمهیدات و تهدیدها و از بلاهائی که احتمالاً بر سر این اسیر بی‌پناه برای خواندن آن اعترافنامه آورده بودند!

و نیز بهت زده از راه حل ناجوانمردانه‌ای که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب آزادیخواهان و لکه‌دار کردن احزاب و گروههای قانونی فعال و مسئولان آنها اتخاذ کرده بود.

* * *

واقعاً باید به وزارت اطلاعات برای چنین پیروزی هنرمندانه و بی‌اعتنائی شجاعانه به دین و قانون و قضا تبریک گفت!

باید برای قوه قضائیه و قاضی‌القضات آن گریست که از یک سو دم از قانونگرایی و استقلال قضات یا تشکیل دادگاههای عمومی علنی با حق دفاع و انتخاب وکیل برای متهمین می‌زنند و از سوی دیگر مانند دادگستری رضا شاه و محمد رضا شاه که نوکری شهربانی و ساواک را می‌کردند بازیچه مقامات اطلاعاتی شده‌اند.

به مقامات مسئول و به جهادهای حاکمیت نیز باید آفرین گفت که ولو از طراح و مجری بودن چنین نقشه‌های عدالت‌کشی، ایران‌کشی و اسلام‌کشی استنکاف دارند لااقل نظاره‌گران دست و زبان بسته صحنه‌ها هستند و یک جوانمرد خداپرست پیدا نشده است که فریاد کند:

» «.

یا به آنها بگوید: بس کنید! و بیش از این آبروی خودتان و انقلاب و نظام یا ایران و اسلام را نبرید.

* * *

مگر در آن نامه خودجوش آگاهانه و آزادانه اردیبهشت ماه ۶۹ که شخصیت‌های برجسته‌ای علاوه بر اعضای نهضت و جمعیت نیز امضا پای آن گذارده بودند و در داخل و خارج طنین‌انداز شد چه چیزی گفته یا خواسته شده بود که چنین آشفتگی و خشم و انتقامجویی را برانگیخت؟

1- آیه ۲۰ سوره مومن: ای قوم، امروز شما در کشور سوار بر قدرت هستید، اما چه کسی ما را در برابر عذاب فردای خدا نصرت و نجات خواهد داد؟

چون نخواستند (یا نتوانستند) جواب منطقی و منصفانه به آن بدهند و حتی جرأت انتشار و رد کردن آنرا نداشتند پای تهمت تحریک و توطئه سیاستهای بیگانه را به میان کشیدند. گوئی که به زعم آنان ایرانی نه می‌فهمد و نه حق دارد که خطاها و خرابیهائی را که بر سر کشور و آئینش می‌آید بازگو کند و از مسئولان و متولیان بخواهد که دست از بیدادگری و ویرانگری بردارند و به ملت آزادی و حاکمیت قانون بدهند.

آیا به زعم آقایان حتماً باید بیگانگان چنین پندارها و گفتارها را القاء کنند و حتماً خواستن آزادی و اجرای قانون با همسوئی و ستون پنجم بودن دشمنان ملازمه دارد؟ دشمنان انقلاب اسلامی نیز با همین استدلال مدعی هستند که انقلاب شکوهمند ۵۷ نیز حقانیت و اصالت نداشته است و از اروپا و آمریکا الهام می‌گرفته است.

* * *

در طول یازده سال پس از پیروزی انقلاب بارها دیده بودیم که دلها و دستهای ناسالمی وجود دارد که هر زمان کشورمان می‌رفته است که در جاده آرامش و عقل و صلاح قرار گیرد با جوسازی و تحریک، کانونهای انتقام و انفجار بر می‌انگیخته و ناگهان اوضاع را منقلب می‌ساخته‌اند. در این مورد نیز با آنکه رئیس مجلس متعرض نشدن به افسران بازنشسته امضا کننده نامه یاد شده را نشانه وجود آزادی در ایران گرفته بود و مقامات بلند پایه نظام فقط به طعنه و توهین غیر مستقیم اکتفا کرده بودند، یکباره تصمیم تندتیزی به اجرا در می‌آید تا مزد فضولی! امضاءکنندگان نامه کف دستشان گذاشته شده و برای سایر آزادیخواهان ایران درس عبرتی بشود!

* * *

برای چهار میخه کردن کار و پاسخگوئی به افکار عمومی، ناشیانه اقدام به صدور اطلاعیه مورخ ۶۹/۳/۲۶ به اسم دادستانی انقلاب اسلامی تهران گردید و جمعیت را غیرقانونی و ممنوع از حق فعالیت اعلام کردند در حالی که بنابر نص صریح قانون اساسی و قانون احزاب، همانگونه که روسای شورای مرکزی و هیات اجرائی جمعیت بلافاصله در نامه مورخ ۶۹/۳/۳۰ خود به ریاست قوه قضائیه تذکر دادند،

دادستانی انقلاب چنین حقی را نداشته است و رسیدگی به کار احزاب و گروهها در صلاحیت انحصاری وزارت کشور است و تشخیص غیرقانونی بودن یا دستور توقف و انحلال آنها موکول به رسیدگی و رأی یک دادگاه عمومی علنی با حضور هیات منصفه است که باید بر طبق درخواست کمیسیون ویژه ماده ۱۰ قانون احزاب تشکیل شود.

* * *

در آن نامه اعتراضیه و در کلیه مکاتبات و نشریات متعاقب آن همواره گفته شده بود که ما مخالف نظام اجرای قانون نبوده، تقاضا داریم که اگر به اعتقاد دولت و یا بر اساس اطلاعات دریافتی، دستگیر شدگان مرتکب خطائی شده‌اند بر طبق قانون و به دور از ابهام و اتهام، بازجویی و محاکمه و در صورت اثبات جرم مجازات شوند.

اما این بار نیز به حسب معمول به تذکرات قانونی و خواسته‌های منطقی ترتیب اثر داده نشد و آقای اردلان رئیس هیات اجرائی جمعیت را علیرغم کهولت و بیماری به جمع اسرای آزادی ملحق کردند و به دستگیری سایر امضا کنندگان نامه اردیبهشت ماه ادامه دادند.

* * *

برخی از هموطنان در داخل و خارج کشور، با اطلاع و انزجار از این بی‌عدالتی‌ها و تجاوزهای آشکار به حقوق ملت، زبان و قلم به پرسش از مقامات و پشتیبانی از امضا کنندگان نامه و دستگیرشدگان گشودند. از آنجا که صدای ما و مردم از طریق رسانه‌های ارتباطی داخلی به جائی نمی‌رسید، طبعاً انعکاس رفتارهای دستگاه و اعتراضهای دلسوختگان بیشتر از رادیوهای خارجی، با مدتی تاخیر و به صورت ناقص، شنیده شد. پاره‌ای از محافل انسان‌دوست و مدافعان عدالت و حقوق بشر نیز با هموعان ایرانی هم‌صدا شدند. اما دستگاه به جای حفظ حیثیت خود و بازگشت آبرومندان به عدالت و انصاف، هماهنگی و دادخواهی هموطنان آواره و هواخواهی محافل و رادیوهای خارجی را پیراهن عثمان کرده، آنرا مدرک همسوئی ما با آمریکا و عراق گرفت. در حالی که اگر حضرات کمترین توجهی به اعتراضات و خواسته‌های قانونی ما و تظلم‌های دردمندان خانواده‌ها می‌کردند اصلاً خبری به

آنسوی مرز نمی‌رفت و مطلبی پخش نمی‌شد که آنرا نشانه ارتباط ما با دستگاه‌های جاسوسی بگیرند. گیریم شکایت یا گزارشی از این سوی مرز شده باشد، مگر در دوران انقلاب، بسیاری از مسئولان کنونی کشور که در بازداشت یا تبعید بودند به سازمان‌های بین‌المللی شکایت نبردند؟ مگر رهبر فقید انقلاب از ظلم و جور حکام ایران و عراق و نامساعد بودن وضع سیاسی سایر کشورهای اسلامی به پاریس نرفتند و از آنجا صدای مظلومیت ایران را از طریق همین رسانه‌های جمعی خارجی به دنیا نرساندند؟

آیا اگر در جمهوری اسلامی، فرد یا گروهی از آزادی و حقوق قانونی محروم شد حق تظلم به هیچ‌کس و هیچ‌جا ندارد؟ معنای انقلاب و استقلال و عدالت اسلامی و الگو شدن برای یک میلیارد مسلمان این است؟ اگر پخش بعضی از گزارش‌ها و اعلامیه‌های گروه‌های غیرموافق با حاکمیت از خبرگزاری‌های خارجی دلیل بر دستورگیری آنان از آمریکا باشد پس انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری را هم باید در همسویی با بلوک‌های شرق و غرب و مزدور و مجری سیاست‌های آنان گرفت!! زیرا که امروزه بر احدی پوشیده نیست که برخی از محافل و مطبوعات و خبرگزاری‌های غربی، به ویژه رادیو بی.بی.سی، نقش موثری در انتشار اخبار مبارزات ملت ایران و در تبلیغ تجمعات و تظاهرات قبل از پیروزی انقلاب برای بیرون کردن شاه و نیز در پخش اخبار و اعلامیه‌های مخالفین در داخل و رهبری انقلاب از نجف و پاریس داشته‌اند، تا حدی که شاه مخلوع بارها در این مورد به دولت‌ها و سفیران انگلستان و آمریکا گله و اعتراض کرده بود.

چگونه می‌توان فراموش کرد که اولین و سرنوشت سازترین پیام و معرفی آیت‌الله خمینی در جهان که مقدمه بسیار موثر برای پیروزی بود در مصاحبه با مخبر لوموند و چاپ آن در روزنامه‌های انگلستان و آمریکا صورت گرفت؟ نه رهبر انقلاب و نه مبارزان سیاسی آن زمان تدارک کنندگان آن مصاحبه‌ها را عوامل خارجی نخوانند!

چه شده است که مسئله ستون پنجم عراق بودن اینک پس از گذشت دو سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و آتش بس و مذاکره مستقیم با صدام و صلح با عراق مطرح می‌شود؟ اگر ما در آن زمان و در حالی که حرف‌ها و حرکاتمان مشهود خاص و عام بود، خبرگزار و یاور عراق بودیم و مدارک و اطلاعاتی در این باب داشتند چرا مچمان را نگرفتند و ما را به محاکمه نکشانند؟

* * *

بهبانها یا اهانت‌ها و ایرانهائی که غالباً در بازداشتها، حملات و تبلیغات اصرار بر اثبات آنها می‌شود و صله‌های هم‌رنگی و همکاری با ضد انقلاب و مردودین دستگاه و احیاناً به رخ کشیدن نقاط ضعف و تاریک اخلاقی یا سیاسی و مذهبی است. ما ادعا نمی‌کنیم که مظاهر فضیلت و تقوا و عاری از عیب و نقص هستیم ولی می‌گوئیم که نه خدای آفریدگار و نه هیچ قانونگزاری شرط حیات و امنیت انسانها و برخورداری از حقوق مدنی و نعمتهای طبیعی را عصمت مادرزادی و مبرا بودن مطلق از هر عیب و تقصیر در گذشته و حال و آینده قرار نداده است. هیچ گروه و جمعیتی ملزم نیست و دولن نیز حق ندارد که در و پیکر خود را به روی افراد غیرمعصوم ببندد. البته تذکر این نکته به معنای تائید صحت مطلب اظهار شده در گفتار تحمیلی تلویزیونی دائر بر این که در تشکیل جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران از افراد ضد انقلابی مخالف نظام، ساواکی، رستاخیزی و سلطنت طلب (به استثنای چپی‌ها!) استقبال می‌شده است، نمی‌باشد. جمعیت دفاع از آزادی که نهضت آزادی در تاسیس و اداره آن در حد خود سهیم بوده است شاید تنها گروه سیاسی باشد که در اعلامیه علنی تاسیس و منشور خویش در اسفند ماه ۱۳۶۴ بنیانگذاران خود در آشکارا با نام و نشان معرفی کرده است، بنیانگذارانی که عموماً معروف و مفتخر به سوابق روشن اجتماعی و خدمات ملی بوده لکه خیانت یا وابستگی به دربار، حزب رستاخیز، فرماسونری و غیره نداشته‌اند.

تا آنجا نیز که معلوم است چنان اشخاصی در بدنه جمعیت نیز وجود ندارند، مگر آنکه ناشناخته یا «النادر کالمعدوم» باشند. جا داشت که در القائات و اظهاراتی که قطعا از روی سوء نیت و اخلاگری بوده است صریحاً گفته می‌شد که چه کسانی ساواکی، رستاخیزی یا سلطنت‌طلب بوده‌اند. جمعیت در هنگام درخواست صدور پروانه فعالیت مشخصات کلیه اعضای رهبری خود را به وزارت کشور نوشت و آنها با اشراف به اسناد وزارت اطلاعات در صورت برخورد به سوابقی که بر طبق قانون احزاب موجب سلب صلاحیت گروهها می‌شود حتماً اطلاع می‌دادند و تعویض آنها را از جمعیت خواستار می‌شدند.

* * *

دانستن این مطلب می‌تواند آموزنده و لازم باشد که ببینیم چرا، و تحت تاثیر چه عواملی، هیات

حاکمه ما به رهبری وزارت اطلاعات و به جای فرمان قرآنی»

«

بر طبق الگوی استالین ملعون شده در دنیا عمل نموده است.

حتماً می‌دانید که استالین همه همکاران و هم‌زمان دوران انقلاب روسیه و زمان لنین را به زندان

انداخته، اعدامشان کرد و همه آنها با قلم و زبان خود اعتراف کرده بودند که از ابتدا تجدیدنظر طلب

(رویزیونیست) بوده‌اند و تقاضا کرده بودند که به جرم الحاد در مکتب مارکسیسم - لنینیسم و خیانت به

خلق و عدم اعتقاد به رهبر کل اعدام شوند!.....

* * *

جریان فهرست‌وار یا سناریوی رویداد مورد بحث آن طور که منطقیاً حدس زده می‌شود چنین

بوده است:

۱) صدور نامه نود امضائی اردیبهشت ماه و استقبال طبیعی و انتشار وسیع آن در میان ایرانیان

داخل و خارج غیرمنتظره بود. حاکمیت که انتظار چنین وحدت عمل و تشکل ساده افراد موجه ملی در

طیف گسترده‌ای را نداشت به وحشت افتاده، خود را بر سر یک دوراهی دید: یا تسلیم به حق و قانون و

برخورد محترمانه قانونی و منصفانه یا اتخاذ موضع خصمانه و کوبنده.

برخورد قانونی و منصفانه چنین می‌بود که گفته‌ها و خواسته‌های درست را بپذیرد و قول مساعد

برای تحقق آنها بدهد و نادرستیهای احتمالی را رد کند و اگر خطا و خلافی سرزده باشد متخلفین را به

کیفر قانونی متناسب برساند. پس از مدتی تامل و مشورت دیدند که محتوای نامه انصافاً و قانوناً مردود

نیست ولی تحمل چنین گستاخی و فضولی! هم برایشان مقدور نبود. بنابراین، راه دوم را برگزیدند و

تصمیم گرفتند که به هیچ وجه وارد اصل و محتوی نامه که مستدل و منطقی است نشده، حمله را از پهلو

و به طور غیرمستقیم اجرا کنند.

1- آیه ۲۱ سوره احزاب: و البته (به تحقیق) در رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است.

۲) حمله سراسری با مراجعه بی سر و صدا به منازل کسانی که به نظر حاکمیت موثر و مقصر عمده می‌آمدند و تحت بهانه‌های متفرق نامربوط انجام یافت، البته نه علیه همه امضاکنندگان نامه بلکه علیه اعضای جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران که آنرا مرکز این جریان و مبداء بدعت‌گزار تجمع و تشکل ملیون تصور می‌کردند و علیه برخی از شخصیت‌هایی که عضو جمعیت یا نهضت آزادی نبودند.

۳) مقارن با این عملیات و اندکی پیش از آن، زمزمه‌هایی در مطبوعات و گفتارها در زمینه همسوئی قدیم با دشمنان و همکاری و دستورگیری جدید نهضت آزادی از «سیا» بلند شد.

اگر اینها آن طور که در مطبوعات و شایعات اظهار می‌داشتند مدرک موثق یا نواری از مذاکره و زد و بند نمایندگان نهضت و دستگیرشدگان با بیگانگان و مقامات سیاسی آمریکا و نشانه‌ای دال بر همکاری با آنها در تهیه و انتشار نامه نود امضائی داشتند، حتماً به دادگاه تحویل می‌دادند یا از طریق رسانه‌های جمعی پخش می‌کردند. ولی چون چنین چیزهایی وجود نداشت و در متن و محتوای نامه و در فعالیت‌های علنی و قانونی نهضت و جمعیت ایرادهای محکمه‌پسند موجود نبود و در حملات گذشته به نهضت و جستجوی دفتر و آرشیو آن و سپس بازداشت و بازپرسی طولانی مسئولان رده بالای نهضت و احضار و تهدید سایر اعضا نتوانسته بودند که برگه و سندی که دلالت بر ضد نظام بودن و خلافکاری نهضت و نهضتیان نماید به دست آورند و نه موفق شده بودند که نهضت را از حق گوئی و حقجوئی باز دارند و خلاصه آنکه روشهای ایدائی گذشته به نظرشان بی‌حاصل می‌آمد به آن اقدام رسوا کننده تن دادند و برای تعقیب و آزار آزادیخواهان مدافع راستین اهداف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی چاره‌ای که به نظرشان رسید کشاندن جریان به تاریکیهای ابهان و اتهام انگیز جاسوسی و گل‌آلود کردن آبهای زلال قضا و قانون بود.

۴) دستگیری افراد برای بازپرسی و بازجوئی و سرپوش گذاری لازم برای فعل و انفعالات اطلاعاتی تا حدود ۲۵ نفر از امضا کنندگان نامه و فعالان تهران و شهرستانها ادامه یافت. بدون آنکه بتوانند مجوز معقولی که محکمه‌پسند، حافظ آبرو و پاسخگوی تعهداتشان در برابر افکار عمومی باشد به دست آورند.

۵) پس از آنکه دیدند نه می‌توانند «جرم بزرگ» یعنی صدور نامه را عنوان کنند و نه مدرک و دلیل قابل عرضه در دادگاههای قانونی و افکار عمومی در ایران و جهان از سوابق و عملکرد دستگیرشدگان و جمعیت و نهضت از پرونده‌ها و بازجوئیه‌ها گردآورند یک راه حل برایشان باقی ماند: اقرار گرفتن از زندانیان علیه خودشان، و این که کلیه ادعاها و اتهامها و استدلالهائی را که در مدت ۷-۸ سال گذشته علیه ملیون و آزادیخواهان مسلمان ایران و مخصوصاً نهضت آزادی گفته و نوشته‌اند و مطالبی که باید علیه دستگیرشدگان و جمعیت ارائه شود روی کاغذ آورده دیکته کنند و با وسائلی که برایشان مشکل نیست در قلم و زبان فردی که سمت و سابقه رسمی در جمعیت دارد بیاورند. ولی خودشان هم می‌دانند که حنایشان رنگی ندارد. هم اکثریت مردمی که آن برنامه را دیدند، چه مخالف و چه موافق به جز عده قلیل ساده لوحان، فهمیده‌اند و می‌فهمند که اعترافات قلبی و تحمیلی است و هم بر این اقرارگیریها کمترین ارزش شرعی و حقوقی و قضائی مترتب نمی‌باشد.

قبلاً هم در تلگرام مورخ چهارم مرداد ۶۹ دبیر کل نهضت آزادی به رئیس قوه قضائیه در این مورد پیش‌بینی و اخطار شده بود که: «هرگونه اقرار، اعلام یا مصاحبه که به نام یا از زبان آقایان در شرایط حاضر زندان با توجه به روال گذشته پخش یا اعلام گردد فاقد اعتبار قانونی و شرعی و کمترین ارزش و اثر سیاسی و تبلیغاتی خواهد بود». حتی استناد به احادیثی از ائمه اطهار (علیهم السلام) شده بود مبنی بر اینکه هرگونه اقرار که در زندان یا در حال ترس صورت بگیرد خالی از اعتبار می‌باشد و نمی‌تواند سند جرم و باعث مجازات شود^۱، ولی حضرات اینکار را کردند و تن به جرم و خطائی دادند که نه خداوند خالق و انس و جان از آن خواهد گذشت و نه خلق ایران و جهان.

۱- چند نمونه از روایات عدیده استخراج شده از کتب معتبر شیعه:

۱- از ابی عبدالله (ع): امیرالمومنین علی (ع) فرمود « (الوسائل، باب ۷)

۲- از علی (ع): « (کتاب الحدود، فصل ۵)

۳- از علی (ع): از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «

« (مسند زید - کتاب الحدود)

۴- ابو عبدالله (ع) فرمود: « (الجفریات)

* معنا و مفهوم کلی همه روایات بالا یکسان است: کسی که در زندان یا به زور یا تهدید یا کتک اقرار به جرمی کند اعترافش ارزشی ندارد و نمی‌توان درباره او مجازاتی اعمال کرد.

* * *

این گزارشی بود به ملت شریف ایران تا به آنچه که حق و وظیفه خود می‌داند عمل کند.
برای متولیان و مسئولان دعای هدایت و توبه و نجات می‌کنیم و در مورد خودمان به درگاه خداوند
دانای توانا پناه می‌بریم که احکم الحاکمین است و می‌گوئیم:

نهضت آزادی ایران

تهران ۳۱ مرداد ماه ۱۳۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۴۰۴

تاریخ: ۶۹/۶/۱

بیانیه درمورد

تسلیم عراق به شرایط صلح، تجاوز و توطئه‌های تازه و حمله به کویت

هموطنان شرافتمند عزیز

عفریت جنگ عراق علیه ایران با خونها و خرابیهای خانمان برانداز سرانجام منجر به تسلیم عراق و امید آرامش گردید.

اینک ارتش متجاوز از آخرین اراضی اشغال شده عقب نشینی کرده است، عزیزان اسیر به آغوش میهن و خانواده‌های چشم به راه برمیگردند و اروند رود و مرزهای بین‌المللی، بر طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزائر مجددا ترسیم و تثبیت می‌شود.

نهضت آزادی ایران از این پیش آمد مطلوب و گردش مساعد روزگار که پایان موفقیت‌آمیز فداکاریها و رنجها و شهادتها و پاداش صبر و پایداری ملت و دولت ایران است شکر پروردگار را به جای آورده و به ملت عزیز و مدافعان ایران و اسلام تبریک می‌گوید و برای همگان حسن عاقبت و نجات و سعادت جاودان آرزو می‌کند.

چنین سرانجام و حسن ختام می‌تواند درس عبرتی برای تجاوزگران و درگیرشدگان و هشدار و رهنمودی برای ایران باشد.

صدام، بدون حسن نیت و قصد خدمت، از روی مصلحت اندیشی کار خویش و سبک کردن بار کمرشکنی که با تجاوز به کویت برپیکر فرسوده و شکسته عراق گذارده است خود را ناچار دید که

۱- آیه ۶ سوره انشراح: همانا با هر تنگی گشایشی است.

خاضعانه تن به اجرای تعهداتی بدهد که از دوسال پیش پیوسته از ایفای آنها سر باز زده بود و در نامه «برادرانه و مسلمانانه» ای خواسته‌های رئیس جمهور ایران را دو دستی تقدیم کند، با این نیت که مرزهای شرقی‌اش آرام و سربازانش آزاد شوند و احتمالاً با این امید که همدلی و همکاری ایران را برای رهائی از طاس لغزنده و سوزانی که در آن افتاده است، بدست آورد.

دولت ایران در برابر چنین پیش‌آمد و پیشنهاد وظیفه‌ای جز پذیرش آنچه همیشه و به حق مطالبه می‌کرده است نداشت، که آن را انجام داد. ولی نباید به این حد راضی شده، از استیفای بقیه حقوق ایران که در قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مقرر شده است، به ویژه مسئله تعیین متجاوز و اخذ غرامت صرف نظر کند.

صدام با حمله و اشغال خاک و دارائیهای کویت اثبات دیوانگی و نمایش تجاوزگری کرد. دولتهائی که در طول جنگ و حمله عراق به ایران یاور عراق و سود برنده از فروش اسلحه و سایر احتیاجات به طرفین بوده، نمی‌خواستند که متجاوز بودن عراق به ایران را بپذیرند این بار که دودش به چشم خودشان رفته است با غوغا و گرد و خاک فوق‌العاده اعتراف و اعتراض به متجاوز بودن عراق می‌کنند. این فرصت مناسبی است که دولت ایران از آن برای به کرسی نشاندن حرف و حق خود به لحاظ متجاوز بودن عراق استفاده نماید.

از سوی دیگر، دولت آمریکا و متحدانش به بهانه کوبیدن متجاوز و نجات و حمایت تجاوزشدگان جاپای فراخ در منطقه برای توسعه تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی خود باز می‌کنند.

تکلیف ایران در برابر فتنه و فساد فوق و دام دو طرفه‌ای که گسترده شده است اتخاذ موضع روشن و اصولی است که اگر از آن غفلت کنیم و در پی کینه و کید برویم «خسرالدنیا و الاخره» خواهیم گشت. ما ضمن آنکه تجاوز عراق به کویت را شدیداً محکوم و موضع اعلام شده دولت را تائید می‌کنیم دلسوزی برای کویت نداریم، زیرا که دولت مذکور اینک چوب خیانت خود و کمکهای مالی و نظامی به عراق علیه ایران را می‌خورد و مزه و معنای فرمایش نبوی «
عراق علیه ایران را می‌خورد و مزه و معنای فرمایش نبوی» را می‌چشد.

محکوم کردن از طرف ما بر اساس اعتقاد اصولی و پایبندی و اصراری است که به مصداق «

1- هر کس به ظالمی کمک کند خداوند همان (ظالم) را بر او مسلط می‌سازد.

«^۱ در جنگ و صلح علیه بی‌عدالتی و تجاوز داشته‌ایم. تجاوز از سوی هرکس و هر شخص و مقام به هر جا و به هر کس دیگر، چه از دولت و کشوری به دولت و کشور دیگر و چه از ناحیه دولتی به حقوق مردم و کشور تحت فرمان خویش.

نهضت آزادی ایران هم تجاوز وحشیانه عراق به کویت را محکوم می‌کند و هم تجاوز وقیحانه آمریکا به منطقه را، تجاوزی که دارای ظاهر عدالتخواهانه برای دفع متجاوز و دفاع از تجاوز شونده‌هاست ولی در عمل منجر به آشوب و آشفتگی روبه‌گسترش در منطقه و به خطر افتادن امنیت و منافع کشورهای خاورمیانه می‌گردد، در حالی که تحریم اقتصادی عراق بر طبق تجویز و تصویب شورای امنیت سازمان ملل (که مورد پشتیبانی دولت ایران نیز قرار گرفته است) اگر صادقانه و محکم و به دور از زد و بندهای پشت پرده اجرا شود برای به زانو درآوردن صدام و بازگشت او به خانه یا انتحار او و واگذاری امر به ملت عراق بسیار موثر خواهد بود.

نهضت آزادی ایران - همانند اکثریت آزادگان و صاحب‌نظران ایران - به هیچ وجه به مصلحت ایران نمی‌داند که به خیال جنگ با استکبار با عراق همدست و هم‌آوازه شده، خود را گرفتار ماجرا و مصیبتی شدیدتر از گذشته کند و یا با آمریکا و ائتلاف شرق و غرب اروپا برای اجرای تحریم اقتصادی از طریق محاصره و عملیات نظامی، خارج از آنچه سازمان ملل مقرر داشته است، همگام و هم‌پیمان شود. باید توجه داشت که در هر یک از دو حالت، اگر اسرائیل فتنه‌انگیز و آتش‌بیار معرکه نباشد حتماً سود برنده اصلی و همه جانبه بوده است و خواهد بود و اولین قربانیان ماجراجویی و تجاوز صدام و لشکرکشیهای خارجی به منطقه مردم مصیبت زده فلسطین هستند.

اوضاع کنونی، شرایط را بیش از هر زمان برای بهره‌گیری ایران در جهت مصالح و منافع ملی مساعد ساخته است. اما بهره‌گیری از این شرایط لزوماً به معنای مشارکت در ماجراجویی‌ها به نفع عراق یا مقاصد استکبار نمی‌باشد، بلکه ظرافت و هوشیاری و دقت در گفتار و رفتار را می‌طلبد.

1- آیه ۸۷ سوره مائده: تعدی نکنید (که) قطعاً خداوند متعديان را دوست ندارد.

در هر حال، آنچه ما مصرأً به ملت و دولتمان توصیه می‌کنیم بی‌طرفی نظامی ایران و خودداری از هر گونه عملیات جنگی پنهان و آشکار به سود هر یک از طرفین دعوا می‌باشد. بهره ایران از درگیر شدن در ماجرا، بدون آنکه اثر عملی قابل احتسابی در روند جریان‌ها داشته باشد چیزی جز خون و خرابی و پشیمانی نخواهد بود.

اینک که به تقدیر خداوند دانا و توانا دوران «نه جنگ و نه صلح» پایان پذیرفته است و امید می‌رود که صلح پایدار و مبارکی برقرار گردد جا دارد - و از هر جهت حق ملت و مصلحت حاکمیت است - که در درون کشور نیز دستور آتش‌بس داده شود، متولیان از اختناق و انحصارگری و آزار یا تجاوز به حقوق ملت ایران دست بردارند و بدانند که تنها با رعایت عدالت و تقوا و در سایه آزادی و حکومت قانون و از طریق مشارکت داوطلبانه و صمیمانه مردم راه برای حل بحران اقتصادی، بازسازی واقعی کشور و تأمین آبادی و آزادی و استقلال واقعی ایران، همراه با سلامت و سربلندی خودشان، باز خواهد شد.

خلاصه تذکرات و تاکیدهای نهضت آزادی:

۱- شکرگزاری به درگاه آفریدگار و گرداننده جهان، تبریک و تهنیت به هموطنان گرامی و درود و دعا به شهیدان، جانبازان، آسیب‌دیدگان، آزاد شدگان و به همه خدمتگزاران ایران و اسلام.

۲- محکوم کردن تجاوز عراق به کویت و پافشاری برای تخلیه کویت از ارتش عراق از طریق همیاری با سازمان ملل متحد و پشتیبانی از تحریم اقتصادی عراق و بازگرداندن سرزمین کویت به ملت آن از طریق مراجعه به آرای مردم.

۳- محکوم کردن تجاوز نظامی آمریکا به منطقه و هرگونه مشارکت سایر قدرتها در این توطئه کثیف.

۴- حفظ متانت، رعایت احتیاط کامل و خودداری دولت ایران از تسلیم شدن به رادیکالیسم کور برای ماجراجویی و فتنه‌انگیزی و تاکید بر بی‌طرفی کامل ایران در این مناقشه خطرناک.

۵- توصیه توبه و تقوا به هیات حاکمه و تأمین حقوق و آزادیهای ملت ایران، مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

نهضت آزادی ایران

تهران - اول شهریور ۱۳۶۹

1- آیات ۳ و ۲ سوره طلاق: و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند برایش راه خروج (از گرفتاریها) قرار میدهد و از طریقی که حسابش را هم نمی‌کند به او روزی میرساند، هر کس که بر خدا توکل کند خدا برایش کافی است. همانا خداوند امرش را به انجام می‌رساند. همانا خداوند برای هر چیز اندازه‌ای مقرر فرموده است.

اطلاعیه به مناسبت رحلت آیت‌الله مرعشی

شماره: ۱۴۰۵

درگذشت اسفناک آیت‌الله العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی را که از مراجع عالیقدر شیعه و اساتید حوزه علمیه بودند و در ضمن تالیف و تدریس معارف دینی در حد امکان از نصیحت و توصیه به گردانندگان و دست اندرکاران مملکت نیز غافل نبودند به همه مسلمانان به ویژه شیعیان ایران تسلیت می‌گوئیم و از خداوند منان برای آن بزرگوار رحمت و مغفرت و برای بازماندگان و پیروان صبر و اجر مسألت می‌کنیم.

نهضت آزادی ایران

۶۹/۶/۸

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به وزیر اطلاعات در مورد مصاحبه تلویزیونی ایشان

شماره: ۱۴۰۶

تاریخ: ۶۹/۶/۲۲

جناب آقای فلاحیان وزیر محترم اطلاعات

جنابعالی در روز دوشنبه پنجم شهریور ماه طی یک مصاحبه تلویزیونی که به طور وسیعی پخش شد و در مطبوعات انحصاری دولتی منتشر گردید، در تشریح عملیات یکساله وزارت اطلاعات مطالب خلاف واقع و نسبتهای نادرستی درباره نهضت آزادی ایران (و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران) بیان کردید و در مورد دستگیرشدگان نیز اتهاماتی را که هنوز در هیچ دادگاه صالحی رسیدگی نشده و به اثبات نرسیده و حکمی درباره آنها صادر نشده است عنوان نمودید که عملی خلاف قانون اساسی و احکام اسلامی و به دور از شأن حکومتی است که خود را جانشین حکومت عدل علی (ع) و الگوئی برای مسلمانان جهان می‌داند.

نهضت آزادی ایران لازم می‌داند که به عنوان حق طبیعی و خدادادی دفاع مشروع و نیز اعتراض به مطالبی که بر خلاف حق و حقیقت در مورد اهداف جمعیت که در منشور آن تصریح شده است و عملکردی که در بیانیه‌های آن منعکس است، اظهار داشته‌اید، نکاتی را تذکر دهد و به وظیفه قرآنی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر اقدام نماید.

همچنین در گزارش فعالیت‌های وزارت اطلاعات تخلفات آشکاری به شرح زیر از حدود اختیارات و وظایف قانونی آن مشهود بوده است که ضرورت دارد به عنوان وظیفه و حق شرعی و قانونی، جنابعالی و مقامات اجرائی و قضائی کشور را آگاه سازیم و بخواهیم که در رفتار و گفتارتان تجدیدنظر نمائید.

ضمناً از شما انتظار داریم که به حکم انصاف و بر طبق قوانین ناظر بر رسانه‌های جمعی اجازه و دستور دهید که این جوابیه از طریق مطبوعات و صدا و سیمای جمهوری اسلامی منتشر گردد و به اطلاع ملت شریف ایران برسد.

الف- موارد تخلف از حدود و وظایف قانونی

ماده ۱۰ قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب ۶۲/۵/۲۷ در ۶ بند و ۲ تبصره وظایف وزارت اطلاعات را تعیین کرده است. ضمناً ماده ۴ همان قانون تصریح می‌کند که وزارت اطلاعات حق مبادرت به کارهای اجرائی در امور امنیتی را که صرفاً بر عهده ضابطین دادگستری است، ندارد.

موارد زیر از عملیات گزارش شده در هیچ یک از بندها و تبصره‌های ماده ۱۰ وجود ندارد:

۱- کشف و شناسائی و دستگیری اعضای باند بزرگی که اشیاء عتیقه و باستانی را از کشور خارج کرده و به فروش می‌رسانده‌اند. البته ما نیز مانند همه افراد علاقمند به حفظ میراث فرهنگ ملی ایرانی - اسلامی از این که جلوی غارت و چپاول گنجینه‌های ملی گرفته شده است خوشحالیم ولی اجرای این عملیات در چهارچوب وظایف قانونی وزارت اطلاعات نیست.

۲- «مبارزه با تروریستهای اقتصادی» و «جنگ فرهنگی با غرب»، که در عین ضروری بودن هیچ ربطی به وظایف وزارت اطلاعات ندارد.

ممکن است که وزارت اطلاعات در جریان اجرای وظایف قانونی خود و اکتشافات به مواردی از تخلفات از انواع فوق برخورد کند ولی بر طبق مفاد ماده ۱۰ مذکور موظف است که اطلاعات مربوط را در اختیار نهادهائی که قانوناً مأمور و مسئول این امور می‌باشند قرار دهد، نه آنکه خود رأساً بر خلاف قانون وارد مراحل اجرائی شود.

۳- دستگیری متهمین به جنگ روانی و ارتباط و همسویی با بیگانگان

شما در مصاحبه تلویزیونی خود اقرار و اعتراف به اقدام مستقیم در بازداشت‌های اخیر کرده‌اید. وزارت اطلاعات تنها می‌تواند، به موجب قانون، اطلاعاتی را که به دست می‌آورد در اختیار قوه قضائیه قرار دهد و حق ندارد کسانی را که به نظرش «مظنون» می‌رسند دستگیر کند، به بازداشتگاه‌های تحت مدیریت خود ببرد، در سلولهای انفرادی و تحت شرایط نامساعد و انواع فشارها قرار دهد، از آنها به زور

اقرار و اعتراف بگیرد، در استودیوهای ویژه خود از آنها فیلم تلویزیونی تهیه کند و قبل از آنکه محاکم صالحه دادگستری، بر طبق موازین قانونی، به پرونده وضعیت بازداشت شدگان رسیدگی کنند اینگونه اقرارها و اعترافات را منتشر سازد.

تذکر این نکته نیز لازم است که شما در مصاحبه پنجم شهریور ماه کلیه دستگیرشدگان را اعضای نهضت آزادی ایران و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران اعلام نمودید، در حالی که برخی از آنها مانند آقایان مهندس عزت‌الله سبحانی و عباس قائم‌الصباحی - عضو هیچ یک از این دو گروه سیاسی و حقوقی نیستند و وجه مشترک آنها با بقیه دستگیرشدگان امضای نامه اردیبهشت ماه خطاب به آقای رئیس‌جمهور می‌باشد. در صورتی که بزعم وزارت اطلاعات ایرادی بر اهداف یا نشریات و گفتارهای این گروهها وارد بوده و همین ایراد سبب بازداشت تعدادی از اعضای آنها شده باشد، علت دستگیری افرادی که عضو نهضت یا جمعیت نیستند چیست؟

ب- پاسخ اتهامات ناروا

اگر مصاحبه تلویزیونی وزیر اطلاعات ادعای علیه نهضت آزادی ایران (و جمعیت) تلقی شود، ایرادها و نکات اصلی این ادعای که مطالب و نشریات نهضت و جمعیت را گواه آنها گرفته‌اید به شرح زیر بوده است:

- ۱- جنگ روانی علیه ارزشهای انقلاب و علیه ملت مسلمان ایران
- ۲- حرکت در جهت تخریب برنامه‌های دولت و نظام جمهوری اسلامی
- ۳- جنگ روانی علیه مسئولان نظام جمهوری اسلامی
- ۴- حرکت در جهت دلسرد کردن مردم
- ۵- ارتباط با خارج کشور، ارتباط با آمریکا، ارتباط با محافظی از کشور و دولت آمریکا
- ۶- همسو بودن گفته‌های آنان با رادیوهای بیگانگان و ضد انقلابیون (هماهنگی تبلیغات آنان با رادیوهای بیگانه، به ویژه رادیو آمریکا)

در اطلاعیه روابط عمومی دادستانی انقلاب، اتهام دستگیرشدگان «ستون پنجم دشمن بودن در زمان جنگ» اعلام شده بود که نشان می‌داد اطلاعیه مذکور شتاب زده تهیه شده است و مطرح کردن چنین

اتهامی نه در زمان جنگ بلکه دو سال بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و در آستانه مذاکرات مستقیم صلح با رژیم بعثی عراق آن قدر بی‌اساس بود که مجبور شدید در مصاحبه تلویزیونی برای حفظ ظاهر آن را به کلی حذف کرده و پس بگیریید، که از این جهت باید ممنون بود.

بر طبق همین مصاحبه، پایه تمام اتهامات نادرست و بی‌اساس ششگانه فوق بیانیته‌ها و نشریات نهضت (و جمعیت) است. بنابراین همان طور که گفته شد بازداشت شدگانی که عضو نهضت یا جمعیت نیستند باید بی‌درنگ آزاد شوند و از آنها عذرخواهی شود.

و اما در مورد اتهامات نادرست فوق:

۱- جنگ روانی علیه ارزشهای انقلاب

ارزشهای انقلاب اسلامی در دوران انقلاب در شعارهای مردم و در بیانیته‌ها و مصاحبه‌های رهبر فقید انقلاب و سپس در فصول سوم و پنجم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ منعکس و متبلور است. یکی از آرمانهای ملت ایران در انقلاب مشروطه و سپس در انقلاب اسلامی اخیر محو استبداد سلطنتی، خودکامگی، قانون شکنی و بی‌قانونی و تأمین حقوق و آزادیهای اساسی ملت بوده است. یکی از سه شعار و خواسته اصلی دوران انقلاب نیز «آزادی» بود و اتفاقاً شاخص‌ترین مطالبی که در اکثر نشریات نهضت (و جمعیت) تأکید و تکرار شده است، مبارزه با خودکامگی و تأمین آزادی و حاکمیت قوانین و احکام اسلام بوده است. حال، بر طبق کدام ضابطه شرعی یا قانونی، درخواست رسمی و علنی از حاکمیت برای اجرای اصول قانون اساسی، «جنگ روانی علیه ارزشهای انقلاب و مردم مسلمان ایران» تلقی می‌شود؟ کسانی که از نام «آزادی» و از مطرح شدن «حقوق ملت» و اجرای قانون اساسی واهمه دارند و شانه خالی می‌کنند علیه «ارزشهای انقلاب اسلامی» و علیه ملت مسلمان ایران ایستاده‌اند، نه کسانی که حقوق ملت را - که در قانون اساسی تصریح شده است - مطالبه می‌کنند!

آیا در جمهوری اسلامی ایران اصول مصرح در قانون اساسی در باب حقوق و آزادیهای ملت واقعاً اجرا شده است؟ چه فرد یا گروهی، به جز موافقین حاکمیت، اجازه و امکان گفتن، نوشتن و فعالیت دارد؟ نه تنها گروه‌ها و شخصیت‌های غیرموافق با سیاست‌های حاکمیت اجازه فعالیت سیاسی ندارند، بلکه فشارها

و تضییقات سیاسی - تبلیغاتی به گونه‌ای است که حتی جناحهای مختلف درون حاکمیت نیز مصون از تعرض نیستند.

آیا کار جمهوری اسلامی به جایی رسیده است که اگر کسانی به خود جرأت دهند و طی نامه سرگشاده‌ای به رئیس جمهوری، با رعایت موازین ادب و احترام، اجرای قانون اساسی را بخواهند باید روانه زندان شوند و در معرض انواع تهمتهای بی‌اساس قرار گیرند و حق هرگونه دفاع نیز از آنان سلب شود؟ آیا به نظر شما مفهوم تحقق «ارزشهای انقلاب اسلامی» این است؟

۲- تخریب برنامه‌های دولت و نظام جمهوری اسلامی

اگر در نامه نود امضائی و یا در نشریات نهضت (و جمعیت) آمده باشد که نقش قانونی مجلس را نباید نادیده گرفت و آن را عملاً تعطیل نمود و یا این که وامهای خارجی باید به تصویب مجلس شورا برسد و یا اگر با دلایلی توضیح داده شده باشد که در شرایط حاضر دریافت وامهای خارجی به نفع ایران نیست آیا این مطالب به نظر شما (و حاکمیت) باعث تخریب برنامه‌های دولت است؟ آیا اظهارنظر مشفقانه و خیرخواهانه جمعی از دلسوزان مملکت و ملت تخریب برنامه‌های دولت است یا اعمال کسانی که با سوء استفاده از قدرتهای به دست آمده اموال عمومی را به سان ارث پدری، به دلخواه حیف و میل می‌کنند و از مصوبات مجلس و دولت تخطی می‌نمایند و برای آنها پیشیزی ارزش قائل نیستند و جمهوری اسلامی را مصداق بارز «یک شهر و صد کلانتر» نموده‌اند؟

۳- جنگ روانی علیه مسئولان نظام جمهوری اسلامی

کدام جنگ روانی و علیه کدام مسئولان؟ آیا اگر شهروندانی جرأت کنند و بنویسند که مثلاً وزیر اطلاعات حق ندارد برخلاف وظایف قانونی‌اش در امور احزاب که قانوناً به وزارت کشور محول شده است دخالت کند و یا اگر گفته شود که در شهر بزرگی مانند تهران با چند میلیون نفر واجد شرایط رأی دادن یک نفر نمی‌تواند با دویست هزار رأی - آن هم با مشخصاتی که هیأت نظارت بر انتخابات تهران اعلام کرد - به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس راه یابد و یا اگر خواسته شود که سرپرست فلان «نهاد انقلابی» در وظایف قوه قضائیه یا سایر وزارتخانه‌ها دخالت نکند معنای اینها «جنگ روانی» است!؟

مگر آنکه بفرمائید که نصیحت، اظهارنظر، انتقاد و یا اعتراضهای قانونی به نظرات و اعمال مسئولان و متولیان کاری خلاف قانون و ممنوع است و جنگ روانی علیه دولت محسوب می‌شود. اساس منطق شما چیست؟

۴- حرکت در جهت دلسردی مردم

در اینکه مردم دلسرد شده‌اند و متأسفانه روزبه‌روز بر دلسردی آنان اضافه می‌شود و نشانه‌های آن را می‌توان در سیر نزولی میزان شرکت مردم در انتخابات، عدم حساسیت در برابر امور مهم و بی‌تفاوتی جوانان و دانشجویان نسبت به مسائل سیاسی به وضوح دید، تردیدی نیست. اما به قول مولوی گریه بچه از قیافه کنیزک است. دلسردی مردم از خیانتی است که احساس می‌کنند به آرمانهای انقلاب شده است، از انحرافات که در ارزشهای انقلاب رخ داده است از زیر پا گذاشتن مکرر و مستمر قانون توسط مسئولان، از تنگی معیشت، از فساد مالی برخی از نهادها و مراکز و شخصیتها و از بی‌اعتنایی حاکمیت به خواسته‌های مردم.

باید خیلی بی‌اطلاع و فاقد بصیرت بود که عوامل دلسردی فزاینده مردم را ندید. کمتر نطق قبل از دستوری در مجلس است که در آن از عوامل دلسردی مردم در درون دستگاههای حاکمه سخنی به میان نیاید. روزنامه‌های انحصاری حاکمیت نیز پر است از نمونه‌های متعددی از این عوامل دلسردی.

آیا بهتر نیست که به جای این گونه برخوردهای غیراصولی و بی‌پایه از حوادث عبرت بگیرید و به خود آئید و خویشتن را اصلاح کنید؟ بعد از حوادثی که در نیکاراگوئه رخ داد، رهبری ساندینیسیتها، برخلاف برخی از مسئولان ایران که آن چنان بیگانه‌زده هستند که ریشه هر مشکلی را نه در درون خود، بلکه در ورای مرزها جستجو می‌کنند، به ارزیابی پرداخته و ریشه‌های درونی شکست خود را شناخته و به شرح زیر جمع‌بندی کردند: (به نقل از کیهان هوائی مورخ ۶۹/۵/۲۴)

«رهبری ساندینیسیت بخش بزرگی از مسئولیت شکست را بر عهده گرفت. . . ما به شدت از پیروزی خود مطمئن بودیم. ما اطلاعات مربوط به از دست دادن پایگاههای انتخاباتی خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار ندادیم و به آن توجه زیادی نکردیم. . .

خودکامگی، نداشتن حساسیت نسبت به نگرانیهای مردم، خفه کردن انتقاد، شیوه

دیوانسالارانه حکومت. . .»

آقای وزیر اطلاعات! آینه شکستن برای شما سودی ندارد، به قول معروف: «فکر نان کن که خربزه آب است!»

۵-ارتباط با خارج کشور، ارتباط با آمریکا، ارتباط با محافلی از کشور و دولت آمریکا.

آقای وزیر اطلاعات! این مطالب صرفاً ادعاهای شماست. در حالی که هنوز دستگیرشدگان در یک دادگاه علنی قانونی و با رعایت موازین قانونی محاکمه نشده‌اند. شما به چه حق و با کدام مجوز چنین حکمی را صادر کرده‌اید؟ شما حداکثر می‌توانستید بگوئید که بازداشت شدگان را به اتهام ارتکاب این یا آن خلاف دستگیر کرده‌اید. در صورتی که وزارت اطلاعات شواهد و مدارک محکمه‌پسندی در تأیید ادعاهای خود داشته باشد می‌بایستی آنها را بر طبق قانون در اختیار قوه قضائیه قرار دهد و این بر عهده یک دادگاه صالح است که موضوع را بررسی کرده و حکم را صادر نماید نه وزیر اطلاعات، آن هم در یک مصاحبه تلویزیونی!!

نهضت آزادی ایران همان طور که در بیانیه‌های قبلی خود اعلام کرده است مدعی نیست که اعضای نهضت (یا جمعیت) عاری از عیب و نقص و معصوم علی‌الاطلاق هستند و یا احیاناً به صفت فردی هیچ خطائی را مرتکب نشده‌اند. آنچه ما می‌گوئیم این است که:

هنگامی که دولت تصمیم خود را مبنی بر اجرای قانون احزاب اعلام کرد نهضت (و جمعیت) بر طبق قانون، پرسش‌نامه‌های مربوطه را از وزارت کشور دریافت و تکمیل کرده، همراه با اسامی و مشخصات اعضای رهبری خود به وزارت کشور تسلیم کردند. این وظیفه وزارت کشور - که به وضعیت حال و گذشته افراد اشراف دارد - بود که اگر در میان این افراد کسانی با سوابق نامطلوب، با توجه به مقررات تصریح شده در قانون احزاب، وجودی داشتند، می‌باید آن را رسماً اطلاع می‌داد.

در این زمینه در بیانیه مورخ ۶۹/۵/۳۱ نهضت تحت عنوان «هیأت حاکمه در نمایش ضعف» توضیحات بیشتری داده شده است.

ثانیاً پرونده این افراد باید به دادگاههای صالح ارجاع شود و آنان همان طور که رئیس قوه قضائیه اخیراً تصریح کرده‌اند بر طبق قانون حق انتخاب وکیل داشته باشند و در دادگاههای علنی که با حضور مردم تشکیل شود، محاکمه شوند (به نقل از روزنامه رسالت مورخ ۶۹/۵/۲۰).

ع- همسوئی و همصدائی با رادیوهای بیگانه و ضد انقلابیون

اولاً، شما بر طبق کدام اصل یا قانون این معیار را تعیین کرده‌اید؟ در هر مطلب یا امری از امور متنوع و متعدد که همه روزه از سوی مقامات مملکتی مطرح می‌شود این احتمال وجود دارد که بیان و موضع مقامات رسمی کشور با محافل و رادیوهای بیگانه همسو باشد. کجای این امر جرم است و با کدام معیار؟ آیا اگر دولت ایران تجاوز ارتش شوروی به افغانستان و یا تجاوز عراق به کویت را محکوم کند و در همان زمان دولتهای آمریکا، عربستان سعودی و... نیز همین کار را بکنند، دولت ایران مجرم به حساب می‌آید؟

آیا اگر نهضت آزادی ایران از مقامات مسئول جمهوری بخواهد که اصول قانون اساسی را اجرا کنند و قوانین و مقررات را زیر پا نگذارند و همزمان با این درخواست نهضت، یک نهاد بین‌المللی هم اعلام کند که در ایران قانون اجرا نمی‌شود، این نوعی همسوئی است و بزعم شما جرم محسوب می‌شود؟

اگر قانون اساسی ایران صراحت دارد که متهمین حق انتخاب وکیل را دارند و محاکمه باید علنی باشد و رئیس قوه قضائیه هم بر آن تاکید ورزند و همزمان، مثلاً رادیوهای خارجی و «عفو بین‌الملل» هم همین مسئله را مطرح کنند لابد بزعم شما رئیس قوه قضائیه با رادیوها و محافل بیگانه همصدا و همسو شده است! در این زمینه نیز در بیانیه «هیات حاکمه، در نمایش ضعف» مفصلاً توضیح داده شده است.

این چه منطقی است که شما به عنوان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در یک مصاحبه رسمی ابراز می‌نمائید؟!

ثانیاً، شما مدعی شده‌اید که محتوای بیانیه‌های نهضت (و جمعیت) نمایانگر همسوئی با ضد انقلابیون است. باید به آنچه که در بالا گفتیم اضافه کنیم که نه تنها چنین نیست بلکه عکس آن صادق است. عدم تحمل آراء و نظرات گروههای غیرموافق با حاکمیت و برخورد خصمانه با آنان دقیقاً در جهت استراتژی گروههای ضد انقلاب و طرفدار براندازی است.

استراتژی نهضت آزادی ایران که بر اساس فعالیت سیاسی علنی در چهارچوب قوانین کشور و در راستای اصلاح کژیها و کاستیها و انحرافات است مستمرا از سوی گروههای ضد انقلاب آماج شدیدترین حملات بوده است و می‌باشد. این موضوع در گفتارهای رادیویی و نوشتارهای آنان به طور گسترده‌ای منعکس است و قطعاً وزارت اطلاعات و سایر نهادهای دولتی به خوبی از آن آگاه می‌باشند.

به عنوان نمونه، پس از انتشار نامه نود امضائی خطاب به رئیس جمهوری، نشریه کیهان هوایی به نقل از چهار گروه حزب دمکرات کردستان، حزب دمکراتیک مردم، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و سازمان فدائیان نوشت:

«تقاضای محدود انتشار دهندگان نامه سرگشاده درباره آزادی» «احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعاتی که فعالیت قانونی و علنی دارند» «با ایده طرفداری از دمکراسی و آزادی فعالیت‌های سیاسی تمامی نیروهای سیاسی ناسازگار است».

نشریه کیهان هوایی که در حمله به نهضت آزادی با ضد انقلاب همسو و هم‌آواز است تحت عنوان «فعالیت‌های اخیر لیبرال‌های داخلی و نامه پراکنی آنان» از نشریه «اتحاد کار» ارگان سازمان فدائی چنین نقل می‌کند:

«هیچ چیز مثبت و ملموسی ولو در چهارچوب رژیم جز از راه مبارزه مردمی امکانپذیر نبوده و جز از راه تداوم این مبارزه قابل دوام نیست. اما لیبرالها عمدتاً به بالا چشم دوخته‌اند و آنجا هم که سخن از مبارزه مردم به میان می‌آورند پیشاپیش به آنها هشدار می‌دهند که پا را از چهارچوب قانون فراتر نزنند. کدام مبارزه و کدام فعالیت از دید سردمداران جمهوری اسلامی قانونی است؟ هیچ».

ما از مردم بی‌طرف و منصف درخواست می‌کنیم قضاوت کنند که چه کسانی آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریزند: نهضت (و جمعیت) که در نشریات خود مرتباً اجرای قانون اساسی، تحقق آرمانهای انقلاب و پایبندی به ارزشهای انقلاب اسلامی را طلب می‌کنند؟ یا آنهایی که اقداماتشان مخالفت آشکار با قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی دارد و کسانی که با تمام قوا جلوی هر اقدام قانونی سیاسی علنی را سد می‌کنند و قانون احزاب را در مورد مخالفان حاکمیت به اجرا نمی‌گذارند و

امضا کنندگان یک نامه ساده را بازداشت می‌کنند و به عبارت دیگر رفتار و گفتارشان در جهت تایید و اثبات نظر و استراتژی ضد انقلاب است؟

ما با صراحت اعلام می‌کنیم که در نشریات نهضت (و جمعیت) مطالبی خلاف قانون و یا از نوع مطالب مورد ادعای وزارت اطلاعات وجود ندارد. این نشریات تماماً به طور علنی منتشر می‌شود و از همه آنها نسخه‌ای به وزارت کشور که قانوناً مسئول رسیدگی به امور احزاب است ارسال می‌گردد. اگر مطلب یا مطالبی در این نشریات وجود می‌داشت که می‌توانست تخلف از قانون تلقی شود و یا از نوعی که شما در مصاحبه خود مدعی شده‌اید می‌بود وزارت کشور می‌توانست بر طبق قانون احزاب عمل کند. نمایندگان نهضت (و جمعیت) رسماً به وزارت کشور معرفی شده‌اند و وزارت مذکور می‌توانسته است که اول شفاهاً و سپس کتباً به آنها تذکر دهد ولی تا کنون هرگز چنین مطالبی عنوان نشده است.

پس از تغییرات اخیر در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ وزارت کشور از همین نمایندگان خواست که کتباً مواضع خود را نسبت به اصول جدیدی که به قانون اساسی اضافه شده است به وزارت کشور اطلاع دهند و آنها نیز چنین کردند.

آقای وزیر اطلاعات، شما بهتر بود که به جای کلی گوئی و استفاده از شیوه‌هایی که در قرآن کریم به حکم » « منع شده است چند نمونه از بیانیه‌ها را می‌خواندید و قضاوت نهائی را به مردم و دادگستری واگذار می‌کردید نه آنکه خودتان قضاوت کرده، حکم صادر نمائید.

* * *

شما در مصاحبه خود گفته‌اید که بر اساس اقاریری که از بازداشت شدگان گرفته‌اید افراد دیگری را نیز بازداشت خواهید کرد.

بر طبق مقررات، وزیر اطلاعات باید مجتهد باشد. ما بر آن نیستیم که مدارج علمی - فقهی شما را ارزیابی کنیم، ولی شما در هر مرحله‌ای از تحصیلات باشید قاعداً می‌بایستی با قرآن و اخبار و احادیث مورد قبول شیعه آشنائی داشته باشید. شما خوب می‌دانید که اقرار متهم در زندان - چه تحت فشار باشد و چه نباشد - معتبر نیست. به عنوان مثال، چند نمونه را که در بیانیه قبلی نقل کرده بودیم ذیلاً تکرار می‌کنیم:

چند نمونه از روایات عدیده استخراج شده از کتب معتبر شیعه:

۱- از ابی عبدالله (ع): امیرالمومنین علی (ع) فرمود «

«(الوسائل، باب ۷)

۲- از علی (ع): . (کتاب الحدود،

فصل ۵)

۳- از علی (ع): از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «

. (مسند زید - کتاب الحدود)

۴- ابو عبدالله (ع) فرمود:

. (الجعفریات)

با این معنا و مفهوم کلی که: کسی که در زندان یا به زور یا تهدید یا کتک اقرار به جرمی کند
اعترافش ارزشی ندارد و نمی‌توان درباره او مجازاتی اعمال کرد.

حال چگونه است که شما بی‌اعتنا به موازین شناخته شده فقهی نه تنها برای این قبیل اعترافات - که
هم خودتان می‌دانید و هم مردم می‌دانند که چگونه به دست آمده است - ارزشی قائل شده‌اید بلکه تهدید
کرده‌اید که بر اساس این اقرار افراد دیگری را نیز بازداشت خواهید فرمود؟!

بعلاوه، بیان همین مطلب که بر اساس اطلاعات جدید دریافتی از دستگیرشدگان، دیگران را هم
دستگیر خواهید کرد خود اعتراف ضمنی به زیر فشار گذاردن بازداشت شدگان و دریافت اقرارهای
تحمیلی می‌باشد که خلاف نص صریح قانون اساسی است.

* * *

مصاحبه شما حکایت از دخالت اجرائی و عملی وزارت اطلاعات در بسیاری از شئون مملکت و دست
زدن به اقداماتی که در قانون تاسیس وزارت اطلاعات نیامده است، دارد.

با توجه با وظائف گسترده وزارت اطلاعات در جمع‌آوری و حراست اطلاعات، اگر این وزارتخانه پا
را از گلیم قانونی خود فراتر گذارد و علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات و انتقال آنها به مقامات و نهادهای

ذیربط، خود رأساً به بهره‌گیری از آنها و عملیات اجرائی بپردازد خطر بزرگی همگان را تهدید خواهد کرد. تجربه تاریخی و پیامدهای اسفناک عملکرد نهادهای اطلاعاتی در سایر کشورها به اندازه کافی هشدار دهنده می‌باشد.

* * *

از خداوند سمیع، علیم و حکیم اصلاح امور مسلمین را خواستاریم و توفیق خود و همگان را در اجرای آنچه موجب رضای حق و مصلحت ملک و ملت است مسألت می‌کنیم.

نهضت آزادی ایران

تهران - ۲۲ شهریور ۱۳۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

شماره: ۱۴۱۰
تاریخ: ۶۹/۷/۳۰

اطلاعیه

درباره دیدار هیئت اعزامی کمیسیون حقوق بشر با نهضت آزادی ایران

آقای گالیندوپل که در مهرماه اخیر در راس هیئتی از طرف کمیسیون حقوق بشر به تهران آمده بود کتبا از آقای مهندس بازرگان درخواست ملاقات نمود و ملاقات در منزل شخصی دبیرکل نهضت به اتفاق آقای دکتر ابراهیم یزدی، در تاریخ ۶۹/۷/۲۳ به عمل آمد.

هدف هیئت اعزامی کسب اطلاع از وضع بیست و چند نفر دستگیرشدگان امضاکننده‌ی نامه مورخ اردیبهشت ماه برای رئیس جمهور بوده است و شکایتی که احیاناً وجود دارد. توضیح دادند که از دولت ایران درخواست دیدار ۲۶ نفر از زندانیان سیاسی را کرده‌اند و قصد دارند از نزدیک شرایط زندان و وضع و رفتار با آنان و هم چنین کل مسئله حقوق بشر در چهارچوب مقررات تعهدی ایران را در قبال اعلامیه حقوق بشر رسیدگی نمایند.

از طرف مسئولین نهضت توضیحات لازم بر مبنای نامه‌های ارسالی به مقامات رسمی و اعلامیه‌های منتشر شده بعد از بازداشت‌های اخیر داده شد و اضافه گردید که جا دارد ملاقات و مذاکرات به گونه‌ای باشد که زندانیان احساس ایمنی نمایند و ترس از پیامدهای ناگوار اظهاراتشان نداشته باشند. ضمناً یادآوری شد که تابحال خانواده‌ها ارتباط و اطلاع بسیار کمی از سلامت و حال زندانیان داشته‌اند، به بعضی از آنان بعد از چهارماه بازداشت حتی اجازه یک بار تماس تلفنی و احوال‌پرسی داده نشده است و عده‌ای از خانمها که به دلیل بیماری یا کهولت سن شوهران امکان ملاقات کوتاه یافته‌اند آنان را ناراحت و در وضع نگران کننده‌ای یافته‌اند. در مورد شرایط حقوقی و روابط قانونی بازداشت و بازجوئی و

دادرسی، به لحاظ ابلاغ به موقع علت بازداشت و دریافت و رسیدگی اعتراض، حق وکیل، رعایت بهداشت و توان جسمی و روانی افراد و مصونیت از فشار و آزار و رفتارهای غیراسلامی و انسانی گفته شد که ما اطلاع مستقیم و مطمئن برای اظهارنظر صحیح نداریم ولی احتمال اعمال خلاف کاملاً وجود دارد. برای هیئت توضیح داده شد که مسئله ما علاوه بر اینها، اجرای همه جانبه آزادیهای سیاسی مردم مصرحه در قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه نظیر قانون احزاب و قانون مطبوعات می باشد.

از آقایان پرسیده شد تا چه حد امیدواری به مفید و موثر بودن ماموریت خود دارند؟ گفتند در طی مذاکرات قبل از مسافرت، مقامات دیپلماتیک و قضائی ایران به کمیسیون قول قطعی داده اند که نمایندگان صلیب سرخ بین المللی حق و اجازه خواهند داشت در هر زمان و در هر زندان و با هر زندانی دیدار و گفتگو نمایند، وضع زندانها به لحاظ اقامت و بهداشت و نیازهای اولیه و رفتار انسانی منطبق با مقررات عمومی تعهدی خواهد بود و در بازداشت و بازجوئی و دادرسی رعایت حقوق قانونی و شرایط قضائی تعهدی خواهد شد.

بنا به اطلاعات شایع، هیئت اعزامی کمیسیون حقوق بشر موفق به ملاقات با بیش از پنج شش نفر از زندانیان آنهم در حضور مامورین دولت نشده است و بسیار بعید است که اعترافات آزادانه دریافت کرده باشند.

تهران سی ام مهرماه ۱۳۶۹

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس جمهور و پیشنهاد اقامه دعوی ایران در دادگاههای بین‌المللی
علیه فروشندگان سلاحهای شیمیایی به عراق

شماره: ۱۴۱۲

تاریخ: ۶۹/۸/۴

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی

متأسفیم که بار دیگر اظهارات نادرست و اتهامات ناروای جنابعالی ما را وادار کرده است که نه بخاطر خودمان بلکه بنا به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که اصل هشتم قانون اساسی آن را از وظائف ملت نسبت به دولت دانسته است و برای دفاع از حق آزادی ملت و خواسته‌های انقلاب و با امید اصلاح و اثر، زبان به اعتراض و نصیحت بگشائیم. امیر مومنان و امام بر حق اولمان فرموده است ظالم ظلم نکند و مظلوم قبول ظلم ننماید.

شما در مصاحبه مورخ ۱۵ یا ۱۷ مهرماه جاری با خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند درباره علت دستگیری امضاکنندگان نامه نودنفری اردیبهشت ماه گذشته فرموده‌اید «سیاست جمهوری اسلامی ایران این نیست که کسی را به خاطر اظهارنظر و مخالفت سیاسی تحت تعقیب قرار دهد. بیان مسائل گوناگون از تریبون مجلس شورای اسلامی به طور آزاد گواه بدین مدعا است. لکن در مورد لیبرالهائی که اخیراً دستگیر شده‌اند کسانی بوده‌اند که ماهیت جاسوسی پیدا کرده‌اند و از آمریکا دستور می‌گرفته‌اند و الا ما دلمان نمی‌خواست که آنها بازداشت شوند.»^۲

۱- مومنون ۱۱۵- آیا چنین تصور کرده‌اید که شما را بیهوده (و بی مسئولیت و وظیفه) خلق کرده‌ایم و نزد ما بر نمی‌گردید؟

∞- به نقل از روزنامه‌های اطلاعات و ابرار ۶۹/۷/۱۹

لازم است با اعتذار تمام متذکر شویم که هم اظهارنظر و قضاوتتان برخلاف حقیقت و قانون بوده است و هم ادعا و استدلالهایتان باعث سلب اعتبار و اعتماد از شما و دولت شده است.

اولاً در مقام ریاست جمهوری، به طور دسته جمعی به اشخاصی و به گونه‌ای نسبت جاسوسی داده‌اید که در هیچ دادگاه قانونی مورد رسیدگی و اثبات و محکومیت قرار نگرفته است و خود این اتهام از نظر فقه اسلامی و قانون اساسی و بر طبق اصول اخلاقی و حقوق بشر جرم محسوب می‌شود. مضافاً به اینکه دخالت رئیس قوه مجریه در قوه قضائیه بوده با اصل ۵۷ قانون اساسی مابینت آشکار دارد. حتی وزیر اطلاعاتتان که در مصاحبه تلویزیونی پنجم شهریور ماه گذشته خود را عامل این اقدام و بازداشتها دانسته است علت دستگیریها و اتهام آقایان دربند را چیزهای دیگری غیر از جاسوسی اعلام داشته است. ایشان یقیناً فکر کرده است که وصله جاسوسی به امثال صباغیان و اردلان و سحابی و سایرین نمی‌چسبد.

ثانیاً در استدلالها و توجیه عملتان، نشانه وجود آزادی در ایران را «بیان مسائل گوناگون از تریبون مجلس شورای اسلامی به طور آزاد» ذکر کرده‌اید. به خوبی می‌دانید که آنچه قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر و همه صاحب‌نظران غیروابسته، اتفاق کلمه دارند این است که غرض از آزادیهای سیاسی در هر کشور یا نظام جمهوری یا دموکراسی آزادی عقیده و بیان و قلم و اجتماعات برای عموم افراد ملت است، به ویژه برای احزاب مخالف دولت، نه آزادی نمایندگان موافق در مجلس. تازه مگر بارها جلوی سؤال و استیضاح بعضی از وکلا گرفته نشده و به فرموده خودتان «تشر» به آنها نکرده‌اند و برای نمایندگانی که «ناجور» حرف زده یا نوشته‌اند در دسرهای فراوان ایجاد نکرده‌اند و نمی‌کنند؟ علاوه بر این مگر خود انتخابات در امنیت و در شرایط منطبق با آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی صورت می‌گیرد و فعالیت‌های قانونی افراد و جمعیتها و احزاب بدون محدودیت و ممنوعیت یا مزاحمت‌های شدید امکان‌پذیر بوده است و روزنامه و دفاتر و وسائل و اعضاء آنها در اشغال غیرقانونی و اشکالات گوناگون نیستند؟

جناب آقای رئیس جمهور

با شخص جنابعالی و به اخلاق و اعمالتان کاری نداریم. آنچه می‌دانیم و می‌گوئیم این است که مصاحبه و بیانات شما به هیچ وجه شایسته مسئولیت و مقامی که احراز کرده‌اید نبوده! فکر می‌کنیم رئیس جمهور یک کشور، آنهم رئیس جمهور برخاسته از یک انقلاب عمومی با شکوه اسلامی و در نظامی که داعیه احیا و اجرای «اسلامی ناب محمدی» و رهبری مسلمانان جهان را دارد و قصدش صدور انقلاب و نجات مستضعفین و محرومین دنیا است. اجازه ندارد که در گفتار و کردارهای خود پا از جاده حقیقت و عدالت و انسانیت بیرون بگذارد و اطاعت از قرآن و قانون بنماید، یا در خطبه نماز جمعه تعبیر و توهینهای جاهلانه به کار برده امر به معروف کنندگان به خود را «اراذل و اوباش» بنامد!

مگر رئیس جمهور در نظام اسلامی مافوق قانون و قرآن و معاف از حرمت و حدود است؟

مگر رئیس جمهور نباید با احتراز از کذب و کینه آبروی اسلام و ایران و انقلاب را حفظ کند؟

مگر افکار عمومی دنیا و مخصوصاً روزنامه‌ای که با آن مصاحبه کرده‌اید بی‌اطلاع از فقدان آزادی و

عدم حاکمیت قانون در ایران هستند و به اظهارات و استدلال شما نخندیده‌اند؟

غیر از افکار عمومی دنیا آیا در خود ایران اکثریت ملت آگاه از قضایا نیستند و قضاوت نمی‌کنند؟

بالای همه اینها آیا خداوند علی‌عظیم، حاضر و ناظر بر همه چیز نیست؟

*

افسوس که دادگستری ما دادگستری مستقل و متعهدی نیست که تجاوزگران به حقوق مردم و به

قانون را در هر مقام که هستند مورد بازخواست و بازداشت قرار دهد.

در هر حال ما مثل همیشه تبعیت و تمنا و توکل به درگاه خدا داریم و مایوس از مشیت و رحمت او

و از بیدار شدن وجدان شما نموده امیدواریم این دفاع و تذکرها موثر و مقبول واقع گردد.

تهران اول آبان ماه ۱۳۶۹

نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس‌جمهور در مورد اظهارات نادرست و اتهامات ناروای ایشان به دستگیرشدگان در مصاحبه با روزنامه لوموند

شماره: ۱۴۱۱

تاریخ: ۶۹/۸/۳

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

یقیناً اطلاع دارید که معاهدات و مقررات بین‌المللی استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ را جنایت جنگی تلقی نموده است. در جریان جنگ ایران و عراق، دولت عراق، که خود یکی از امضاکنندگان معاهدات بین‌المللی است، بارها با استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه رزمندگان و یا مردم شهرهای بی‌دفاع، از جمله در حلبچه مرتکب جنایات جنگی شده است.

اخیراً در نشریات و رسانه‌های گروهی خارجی اطلاعات مستند و متعددی درباره فروش این سلاحهای شیمیایی و کارخانه‌های تولید کننده آن توسط برخی از دولت‌های غربی به عراق در جریان جنگ تحمیلی منتشر شده است، که به منزله مشارکت این فروشندگان در جنایات جنگی عراق محسوب می‌گردد. با توجه به نکات فوق پیشنهاد می‌شود دولت ایران در دادگاههای بین‌المللی ذیربط علیه فروشندگان سلاحهای شیمیایی به عراق به عنوان مشارکت در جنایت جنگی اقامه دعوا نموده و طلب خسارت و غرامت نمایند. مستحضر هستید که بعد از گذشت ۴۵ سال در جنگ دوم جهانی هنوز هم دولت آلمان هر سال میلیون‌ها دلار به صهیونیست‌ها غرامت جنایاتی را که هیتلر و حزب حاکم نازی در حق تعدادی از یهودیان مرتکب شده‌اند، می‌پردازد.

استیفای حقوق رزمندگان و جانبازان جنگ تحمیلی نباید تنها با حرف و ادعا باشد، راههای عملی و قانونی وجود دارد و اکنون که دولت ایران برای تحکیم موقعیت خارجی خود می‌کوشد و خود را نسبت به مقررات و مصوبات سازمان ملل متحد و شورای امنیت حساس و متعهد می‌داند، اقدام در این مورد می‌تواند با توجه به شرایط سیاسی و نظامی منطقه و جهان به نفع ملت ایران و قربانیان این جنایات باشد.

نهضت آزادی ایران

۳۰/مهرماه/۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به مدیرعامل سازمان صدا و سیما در پاسخ به نامه آن سازمان

شماره: ۱۴۱۳

تاریخ: ۶۹/۸/۱۲

جناب آقای محمد هاشمی

مدیر عامل محترم سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

بعد از سلام، با اشاره به نامه شماره ۶۹/۷/۲۱ مورخ ۲۳/۹۹۶/۵۴۰۰ آن سازمان توضیحات زیر را به استحضار می‌رسانیم:

۱- ما همانطور که در تلگرام مورخ ۶۹/۶/۳۱ نیز تصریح کرده‌ایم با شخصی که در اسارت است و اظهاراتش می‌تواند آزادانه و از روی اختیار نباشد بحث و مناظره‌ای نداریم بلکه اعتراض ما به عمل خلاف قانون و خلاف شرع سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی بوده و هست و تنها می‌خواهیم در آنچه به ما ارتباط پیدا می‌کند، برای روشن شدن اذهان عمومی و پاسخ دادن به اتهامات نادرست و دفاع از حرمت و حیثیت خود توضیحاتی در مدت یک ربع تا نیم ساعت از سیمای جمهوری اسلامی ایران بدهیم.

۲- استدلال‌هایی که در نامه یاد شده برای توجیه عمل آن سازمان عرضه شده است بنابه دلایل زیر صحیح نیست:

الف- شما در رد اعتراض و درخواست قانونی ما به قسمتهایی از مواد ۵۲ و ۵۵ قانون خط مشی سازمان استناد کرده‌اید. بخشی از ماده ۵۲ یعنی «آگاه ساختن مردم نسبت به نقشه‌های شیطانی استعمارگران جهانی...» وظیفه‌ای است که اگر همراه با بصیرت سیاسی و درک و شناخت صحیح از استراتژی و تاکتیکهای نیروهای سلطه‌جوی جهانی و منطقه‌ای و فارغ از شعار و غوغا صورت گیرد، بی‌تردید مورد تائید نهضت آزادی ایران و در راستای آرمانهای استقلال طلبانه ملت ایران و بندهای ۵۲ و

اصل سوم قانون اساسی خواهد بود. ولی در مورد عبارت «... و عوامل داخلی آنان در...» اطلاق این صفت به اشخاص و گروهها تنها زمانی قابل طرح در رسانه‌های جمعی و از جمله صدا و سیما است که جرم چنین عواملی در دادگاههای ذیصلاحیت دادگستری و بر طبق موازین قانونی مورد رسیدگی و اثبات قرار گرفته و حکم قطعی توسط دادگاه صادر شده باشد.

نهادهای دولتی مانند وزارت اطلاعات می‌توانند بازداشت کسانی را که مظنون به داشتن رابطه غیرقانونی با بیگانگان هستند از قوه قضائیه درخواست کنند ولی هیچ نهاد دولتی یا رسانه جمعی از جمله صدا و سیما حق ندارد که قبل از رسیدگی به اتهامات در دادگاه صالح و صدور رأی نهائی دست به هتک حرمت و حیثیت افراد یا گروهها بزند. متأسفانه این عمل خلاف توسط سازمان صدا و سیما صورت گرفته است.

این مطلب در مورد بند ب ماده ۵۵ نیز صدق می‌کند. سازمان صدا و سیما حق ندارد به صرف این که دولت (در این مورد، وزارت اطلاعات) مدعی شود که افراد یا گروههای «ستون پنجم دشمن» هستند مرتکب اعمال خلاف شرع و قانون شود.

اعتراض ما این است که صدا و سیمای جمهوری اسلامی به عنوان ابزاری در دست حاکمیت در کار قوه قضائیه دخالت کرده است و ادعاهای وزارت اطلاعات و اظهارات آزادانه یا اجباری آقای فرهاد بهبهانی را در مورد نهضت آزادی ایران و دبیرکل آن مسلم فرض کرده و با انتشار مطالب کذب و موهن مرتکب افترا و عمل خلاف شده است.

عمل سازمان صدا و سیما علاوه بر عدم تطابق با مفاد ماده ۵۲ و بند ب ماده ۵۵ قانون آن سازمان نقض صریح و آشکار اصول ۳۷ و ۳۹ قانون اساسی به شرح زیر است:

«اصل ۳۷- اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

«اصل ۳۹- هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

وقتی قانون اساسی در مورد افراد بازداشت شده چنین موضع صریح و قاطعی دارد به طریق اولی به صدا و سیما اجازه نمی‌دهد که در مورد نهضت آزادی و دبیرکل آن و سایر مخالفان سیاسی حاکمیت چنین عمل کند.

موارد تصریح شده در قانون اساسی دقیقاً برای جلوگیری از سوء استفاده حاکمیت‌ها از قدرت در سرکوب مخالفان عملکرد دولتها می‌باشد.

ب- در مناظره‌ها و اعترافات که قبلاً از سیمای جمهوری اسلامی پخش شده و در بند ۲ نامه به آنها استناد کرده‌اید موضوع اصلی به عملکرد خود افراد یا گروههای سیاسی آنها مربوط می‌شده است نه آن که در حین اعترافات، مطالب کذب و افتراآمیز درباره افراد و گروههای دیگر پخش گردد.

پ- همان طور که در بیانیه‌های گذشته ما توضیح داده شده است دولت موقت به هیچ وجه دولت نهضت آزادی نبود. در حکم نخست‌وزیری آقای مهندس بازرگان تشکیل یک دولت موقت بدون وابستگی حزبی خواسته شده بود و لذا معیار انتخاب وزرا عدم وابستگی به رژیم گذشته، حسن شهرت و کاردانی بود و انتصاب هر یک از آنها به تصویب شورای انقلاب می‌رسید. اعضای نهضت آزادی در هیات وزیران دولت موقت در حدود یک سوم کل وزیران را تشکیل می‌دادند و در برابر اعضای سایر احزاب و منفردین در اقلیت بودند.

ت- سرپرست سازمان صدا و سیما در زمان دولت موقت برخلاف آنچه که در نامه آن سازمان ذکر شده است بعد از پیروزی انقلاب هیچگاه عضو نهضت آزادی نبوده و نه تنها سازمان را مستقل از دولت وقت اداره می‌کرد بلکه از مخالفان سرسخت دولت بود و سازمان صدا و سیما در زمان تصدی ایشان از هیچ تلاشی در جهت زیر سؤال بردن و تضعیف دولت کوتاهی نمی‌کرد. با وجود این حتی در همان دوره نیز در مواردی که پخش برنامه‌هایی از صدا و سیما متضمن ایراد تهمت و افتراء به گروهها یا افراد بود و مورد اعتراض قرار می‌گرفت پاسخ معترض نیز پخش می‌شد. به عنوان مثال وقتی مطالبی که توسط «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» از صدا و سیما علیه نهضت آزادی و دبیر کل آن پخش شد، مورد اعتراض قرار گرفت صدا و سیما توضیحات آقای مهندس بازرگان را پخش نمود.

ما اینک با اعتراض مجدد به پخش برنامه پانزده مرداد ۶۹ درخواست خود را برای اختصاص زمان مناسبی جهت ادای توضیح از سیمای جمهوری اسلامی ایران تکرار می‌کنیم.
با آرزوی توفیق شما در خدمت شایسته به مردم و جلب رضای خداوند.

نهضت آزادی ایران

۱۲ آبان ۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس قوه قضائیه در مورد سخنان ایشان در خطبه نماز جمعه ۴ آبان ماه

شماره: ۱۴۱۴

تاریخ: ۶۹/۸/۲۰

آیت‌الله جناب آقای محمد یزدی

رئیس محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

با سلام، جنابعالی در خطبه نماز جمعه چهارم آبانماه باشهامت و صراحتی که امیدواریم مورد پذیرش و پیروی متولیان انقلاب و نظام قرار گیرد ادای حق و اعلام حقیقتی فرمودید که ما را بر آن داشت ضمن تشکر و تحیت، دعای عافیت و حسن عاقبت برایتان کرده از خداوند احکم الحاکمین برای قوه قضائیه کشورمان توفیق استقلال و اجرای قانون و عدالت بخواهیم تا مایه نجات و سعادت مسئولان این قوه و دولت و ملت ایران گردد.

در آن خطبه برای آشنائی مردم ایران و جهان و مسئولین قضائی و مامورین اطلاعاتی با «سیستم قضائی اسلام» از جمله چنین اعلام کردید:^۱

«..... فردی که اقرار می‌کند باید عاقل و بالغ باشد و همچنین در حالت عادی اقدام به اقرار

کند. اگر متهم به علت ترس و اضطراب یا تهدید اقرار کند قابل قبول نخواهد بود. از شرایط

اقرار، در محضر قاضی بودن است و یکی از مشکلات فعلی سیستم قضائی جمهوری

اسلامی این است که متهم در ابتدای تشکیل پرونده در داسرا اقرار می‌کند اما هنگامی که

1- نقل از روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۶۹/۸/۵

پرونده‌اش به دادگاه می‌رسد^۱ به دلائلی در حضور قاضی اقرار نمی‌کند و دادگاه برای صدور حکم با مشکل مواجه می‌شود»، (خط کشی زیر عبارات از خود ما است)

چند هفته قبل نیز در خطبه دیگری با صراحت اظهار کرده بودید که متهمین حق انتخاب وکیل دارند.

* * *

اظهارات بالا که با اصول قانون اساسی و فقه اسلامی انطباق داشته و استنباط و استخراجی از فرمایشات پیامبر گرامی و پیشوایان بزرگوارمان، از جمله حدیث نبوی «لا حد علی معترف بعد بلاء انه من قیدت او حبست او تهدت فلا اقرار له» می‌باشد، تاییدی نسبت به تذکرات مندرج در تلگرام ۶۹/۵/۴ نهضت به ریاست قوه قضائیه، بیانیه ۶۹/۵/۳۱ و نامه ۶۹/۶/۲۲ به وزارت اطلاعات محسوب می‌شود و باعث آبرومندی نظام و قابل تقدیر است. امیدواریم که در عمل نیز از طرف مامورین زندانها و بازجویان و مسئولین قضائی و مقامات، درباره کلیه متهمان و شاکیان و محاکمه شوندگان رعایت شود.

ظاهراً منظور جنابعالی از ادای جمله «برای رفع این مشکل، لایحه تشکیل دادگاههای عام به مجلس تقدیم شده است»، لغو یا به تعویق انداختن محاکمات قانونی و ادامه بازداشت‌های گذشته تا طرح و تصویب لایحه پیشنهادی نبوده است. قانون اساسی، قوانین دادگستری و سنت دادرسیها در این جهت به قدر کافی حاوی مقررات و ترتیبات و روشهای لازم برای تشکیل دادگاههای صالح می‌باشد.

آنچه که بیشتر ضرورت و فوریت دارد اولاً جلوگیری از تخلفات ماموران و رفع علل و عواملی است که باعث اقرارگریهای غیرقابل قبول می‌شود و نیز تعقیب و مجازات متخلفان، به ترتیبی که در اصول ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی پیش‌بینی شده است و ثانیاً تنظیم و تقدیم لایحه‌ای برای تعیین حدود و شرایط بازداشت، بازجویی و اقرارگیری از متهمان بر طبق موازین قضائی اسلام، قانون اساسی و حقوق انسانی مورد تاکید قرآن کریم و سنت نبوی، و نیز نظارت بر اجرای صحیح آن مقررات، با حق تظلم و شکایت متهمین علیه مامورین. و از همه مهمتر، اجرای اصولی از قانون اساسی که رسیدگی به اتهامات سیاسی

۱- البته با این فرض که پرونده به دادگاه فرستاده شود!

را در محاکم دادگستری با حضور هیات منصفه مقرر داشته است، وگرنه محاکمه دستگیرشدگان در دادگاههای در بسته و با حضور همان مامورانی که در دوران بازجوئی در زندانهای کمیته مشترک و اوین با اعمال زور و شکنجه از متهمان اقراریر خلاف گرفته‌اند و در واقع، خود هم محاکمه کننده و هم مدعی هستند سودی در بر نخواهد داشت.

یقیناً جنابعالی از آنچه در داسراها و زندانها بر سر متهمین سیاسی و مخالف حاکمیت می‌آورند اطلاع کافی و ناراحتی داشته‌اید که برای پالایش دادگستری و نظام جمهوری اسلامی ایران مبادرت به بیان مطالب بالا در خطبه نماز جمعه نموده‌اید.

از چشم بستن‌ها و کنج دیوار انداختن‌ها، همراه با توهین و ارعاب و آزارهای جسمی و روانی گوناگون تا بی‌خوابی و بازجوئیهای نیمه‌شب یا صبح تا غروب زائل کننده توان و تشخیص و خرد کننده اعضا و اعصاب متهمین یا اقامت طولانی در سلولهای انفرادی در بسته همراه با محرومیت از هواخوری، حرکت، روشنائی، گرما، غذا و مداوا در حداقل ضرورت و نیز محرومیت از ملاقات خانواده‌ها، و دردناکتر از همه، که تأسی ننگین به زندانهای استالین و هیتلر و سخت‌تر از ساواک شاه می‌باشد عبارت است از تهدیدات، تلقینات، تعزیرات و تضییقات فوق توان و تحمل انسانی برای گرفتن اقرارهای نادرست و اتهامات ناروا از زندانیان علیه خود یا همفکرانشان و دیگران و مخصوصاً ضبط آرشیوی در نوارهای رادیویی و تلویزیونی برای درج بعدی در مطبوعات یا پخش از صدا و سیمای جمهوری اسلامی.

معلوم نیست که منظور مامورین زندان و آمرین از خدا بی‌خبر آنان از اخذ و پخش اقرارهای اجباری و اتهامهای خلاف حق و حقیقت چیست:

- اگر برای تکمیل پرونده و گزارش به دادگاه است که خودتان فرموده‌اید: «قابل قبول نخواهد بود» و لذا بی‌ارزش و بی‌ثمر است.

- اگر برای انتشار خارجی و تبلیغات و تحریک یا متقاعد کردن ایرانیان و افکار عمومی جهان است که با سوابق و تجارب گذشته دنیا و ساواک و نمونه‌هایی از عملکرد گذشته و حاکمیت، همگان به اندازه کافی در این مورد روشن هستند و خبر از ساختگی بودن و بی‌اعتباری آن دارند. حتی اگر دستگیرشدگان امضا کننده نامه اردیبهشت ماه به رئیس جمهوری به زبان و قلم خودشان اقرار به قتل عمد کنند کسی آن

را جدی نخواهد گرفت، زیرا که سوابق خدمت و شهرت و مقبولیت بسیاری از آنان به مراتب بیشتر از اکثر آمرین و عاملین دستگیریهاست.

- و اگر مقصود از آزار زندانیان، ارضای حس کینه توزی یا ارباب ملت برای خودداری از هر گونه اعتراض و اظهارنظر و درخواست آزادی و اجرای قانون است که هر عاقل عاقبت اندیشی می‌داند که چنین کارهائی تاثیر معکوس دارد.

شاید هدف از وارد کردن فشارهای طاقت‌فرسا برای گرفتن اعتراف و مصاحبه، ترور شخصیت مخالفان سیاسی و نابودکردن حیثیت و تفکر و مکتب آنان است تا ناراحتی‌های روانی و شخصیتی پیدا کرده و تا ابد در ذهن و ضمیر خود و در نزد فرزندان و کسان و دوستانشان یا ملت ایران سرافکنده شوند!

جنابعالی به خوبی می‌دانید که اگر زندانیان در زیر فشار و آزارهای فوق توان و تحمل به ماموران شکنجه تسلیم شده و به آنچه که مامورین می‌خواهند تحمیل کنند، اعتراف نمایند از نظر شرعی و وجدانی و حقوقی مرتکب خطا و خلافی نشده‌اند. خدا و خلق با توجه به شرایط ناهنجار و معاف و مصاب دانستن متهمین، به چنین اقرارها و اعترافات بی‌ارزش اهمیت نمی‌دهند، کما اینکه مردم برای اعترافات اجباری برخی از مسئولان کنونی مملکت در زندانهای ساواک شاه ارزشی قائل نشدند و نفعی هم برای آن دستگاه جهنمی نداشت.

اینان نیز به حکم « و « « نباید در نزد وجدان و آئین خود احساس پشیمانی و پریشانی کنند. جناب آقای یزدی،

بنابر مشاهده حضوری بعضی از زندانیان ملاقات شده از طرف خانواده‌ها و هیات اعزامی کمیسیون حقوق بشر و با احساس و استنباط از وضع عمومی و وجنات و زبان حال آنان، اکثر زندانیان مورد بحث، بیمار و ناتوان و در ضعف و رنج فراوان می‌باشند که این امر حاکی از وارد شدن فشارهای جسمی و روانی و فکری شدید برای اخذ اقرار از زندانیان و آماده ساختن آنها برای مصاحبه و اعتراف اجباری است.

بدیهی است که موفقیت ماموران اطلاعاتی و دادستانی در این رهگذر کمترین حاصل و ارزشی به سود حاکمیت از جهات حقوقی و قانونی یا تحریک و تاثیر بر روی افکار عمومی در ایران و جهان نخواهد داشت و مسئولیت هرگونه آثار سوء و پیامدهای ناگوار چنین اعمالی بر گردن آنان خواهد بود.

* * *

دعای ما - و شاید اکثریت ملت ایران - به درگاه خدای دانا و توانا و انتظارمان از شخص شما و دستگاه قضائی این است که نگذارید بیش از این بیدادگری، بی‌قانونی، بدنامی و بدفرجامی دامنگیر دولت و ملت ایران عزیز گردد و با اتکا به فضل و یاری خداوند و با همت و فداکاری خودتان، در جهت عملی ساختن بیانات و وعده‌های فوق و تحقق رهنمود رسول الله (ص) که فرمود:

« »

تلاش نموده، گامی - اگر چه بسیار دشوار و خطرناک - در دادگستری بردارید که با زنده کردن انقلاب و نظام، نام نیکی برای خود و همکاران قضائی در تاریخ این سرزمین به یادگار گذارید.

نهضت آزادی ایران

تهران - آبانماه ۱۳۶۹

۱- هرگز امتی که در آن ضعیفان نتوانند حق خود را بدون ترس و لکنت زبان از زورمندان بگیرند پاکیزه و اصلاح نخواهد شد.

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

**نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد
در مورد موضع‌گیری‌های دوگانه آن سازمان**

شماره: ۱۴۱۵

تاریخ: ۶۹/۹/۳

سوم آذر ۱۳۶۹ (۲۴ نوامبر ۱۹۹۰)

جناب آقای خاویر پترز دو کوئیار

دبیر کل سازمان ملل متحد

نیویورک

کشتار فلسطینیان بی‌گناه و بی‌سلاح در سرزمینهای اشغال شده توسط نیروهای تجاوزگر صهیونیست همچنان ادامه دارد، اسرائیلیان با کمال بیشرمی نه تنها قطعه‌نامه‌های سازمان ملل را نادیده می‌گیرند بلکه کلیه مقررات بین‌المللی را نیز مستمراً زیر پا می‌گذارند و هر روز و هر شب دست به جنایت تازه‌ای می‌زنند. با کمال تاسف، دولتهای بزرگ عضو سازمان ملل، به ویژه دولت ایالات متحده آمریکا، این جنایات را حمایت می‌کنند و نتیجتاً سازمان ملل به گونه‌ای کاملاً مشهود به یک دوگانگی شدید مزمن مبتلا شده است.

نمونه‌های دوگانگی فوق‌الذکر را به خوبی می‌توان در موضع‌گیریهای سازمان ملل در مورد تهاجم عراق به ایران، تجاوزات اسرائیل به حقوق و سرزمینهای مردم فلسطین و لبنان، تهاجمات آمریکا به گرانادا، پاناما، و تهاجم اخیر عراق به کویت ملاحظه کرد. این دوگانگی، سازمان ملل متحد را به نهاد تحت سلطه و آلت دست دولتهای بزرگ و مقاصد آنها تبدیل نموده است.

نهضت آزادی ایران با ارتباط و اطلاع از نظرات ملت ایران که عضو سازمان ملل متحد است از جنابعالی می‌خواهد که به این وضع خاتمه دهید. ضروری است که قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد اسرائیل و سرزمین اشغال شده فلسطین بدون قید و شرط اجرا گردد، به کشتار مردم بی‌گناه فلسطین خاتمه داده شود و مردم فلسطین بتوانند در یک وطن مستقل فلسطینی سرنوشت خود را به دست خودشان رقم بزنند.

باتشکر و احترام

از طرف نهضت آزادی ایران

مهندس مهدی بازرگان (نخست وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی)

دکتر ابراهیم یزدی (وزیر امور خارجه دولت موقت انقلاب اسلامی)

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس دیوان عالی کشور در مورد تعیین وضعیت زندانیان نهضت آزادی

شماره: ۱۴۱۶

تاریخ: ۶۹/۱۰/۲

آیت الله جناب آقای مقتدائی ریاست محترم دیوان عالی کشور

با سلام و دعای خیر، همانطور که مستحضرید قریب به شش ماه است که تعدادی از اعضای نهضت آزادی ایران و برخی دیگر از آزادگان این مرز و بوم بازداشت و در زندانهای کشور محبوس شده‌اند. از آغاز اسارت این آزادگان تا امروز قوانین الهی، اصول انسانی و مواد قانون اساسی مکرراً زیر پا گذارده شده است که از جمله می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱- برخلاف اصل سی و دوم قانون اساسی که بازداشت کنندگان را ملزم به ابلاغ کتبی و تفهیم بلافاصله موارد اتهام به متهمین می‌کند تا کنون موارد اتهام این افراد رسماً مشخص نشده است.

۲- برخلاف اصل فوق‌الذکر که به موجب آن باید در ظرف حداکثر ۲۴ ساعت پس از بازداشت، پرونده مقدماتی باداشت شدگان به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود، چنین امری تاکنون صورت نگرفته است و متخلفین که بایستی به موجب همین اصل مجازات شوند آزاد و مصون از مجازات مانده‌اند.

۳- زندانیان از حق استفاده از وکیل که اصل سی‌وپنجم قانون اساسی بر آن تأکید دارد محروم بوده‌اند.

۴- از قبول دارو برای بیماران در بند که نیاز مبرمی بدان داشته‌اند به جز در برخی موارد آنهم پس از گذشت چهارماه از اسارت آنان خودداری و جلوگیری شده است.

۵- برخلاف کلیه قوانین الهی و انسانی و اصل سی و هشتم قانون اساسی اسیران فوق مورد ضرب و شتم و شکنجه جسمی و روحی قرار گرفته‌اند و وضع جسمانی برخی از آنان وخیم و بحرانی است و یا در مراحل چنین بوده است.

۶- محل حبس زندانیان هیچگاه به جامعه یا لاقل به بستگان نزدیکشان اعلام نشده و برخی از آنان تا امروز از دیدن خانواده‌های خویش و حق ملاقات محروم بوده‌اند.

۷- رسانه‌های جمعی، برخلاف اصل سی‌ونهم قانون اساسی به طور سازمان یافته به هتک حرمت و حملات بی‌امان و کریه ضد اسلامی و ضد انسانی نسبت به زندانیان پرداخته و در حقیقت قبل از رسیدگی و قضاوت قانونی حکم ترور شخصیت و ریختن آبروی بازداشت شدگان را به اجرا درآورده‌اند.

۸- دادستان انقلاب پس از گذشت نزدیک به هشت روز از بازداشت اسیران فوق عملاً به جای اعلام موارد اتهام، حکم محکومیت آنان را منتشر ساخته و وزیر اطلاعات نیز همانند ایشان و برخلاف قوانین کشور همین موضوع را به صورتی دیگر در مصاحبه تلویزیونی مطرح ساخته، نقش قاضی و وکیل و مجری حکم را یکجا ایفا نموده است.

۹- یکی از اسیران را در زندان و با اعمال فشار نه تنها وادار به اظهار مطالبی علیه خود بلکه مجبور به اجرای یک نمایش تلویزیونی و ایراد تهمتهای گوناگون و بی‌اساس به اشخاصی دیگر و نهضت آزادی کرده و سنت کهنی را که از معاویه و یزید تا استالین و هیتلر و معمول جباران بوده است یکبار دیگر زنده کرده‌اند. زندانیان دیگر را نیز تحت سخت‌ترین فشارهای غیرانسانی و ضد اسلامی قرار داده‌اند تا همین سناریو را به وجهی دیگر تکرار کنند.

این اعمال و اقرار هم برخلاف سنن اسلامی و هم مخالف اصل سی‌وهشتم قانون اساسی است و فاقد هرگونه ارزش قضائی و سیاسی می‌باشد.

جناب آقای مقتدائی

ما از شما که در مقام بلندی از قضا در جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته، خواهان خدمت به بندگان خدای رحمان و دین بر حق او هستیم می‌خواهیم که در برابر این قانون شکنی‌ها و مخدوش ساختن بی‌پروای چهره اسلام و انقلاب اسلامی سکوت را جایز نشمرده و به خاطر جلب رضای خداوند و

بهروزی ملت رنج‌دیده ایران این جریان خطرناک را که سالهاست جامعه ما را در خطر تباہی قرار داده است متوقف سازید.

در همین راستا از آن مقام می‌خواهیم که به مقامات مسئول دستور دهید که:

(۱) محل نگهداری زندانیان آزاده را فوراً به خانواده‌های آنان اطلاع دهند.

(۲) تسهیلات لازم را در موارد زیر فراهم سازند:

الف- ملاقات خانواده‌ها با عزیزان زندانی

ب- رساندن دارو به اسیران بیمار و نیازمند

ج- معاینه و مداوای بیماران توسط پزشکان حاذق و بستری شدن آنان در صورت لزوم

(۳) توقف فوری اعمال فشار و ضرب و شتم و شکنجه و گرفتن اقرارهای اجباری

(۴) فراهم کردن سریع امکانات انتخاب وکلای مجرب توسط بازداشت‌شدگان و فعالیت وکلا برای

دفاع از حقوق پایمال شده اسیران

(۵) اعلام فوری موارد اتهام زندانیان و فراهم کردن موجبات آزادی سریع بی‌گناهان

امید است که جنابعالی با اقدامات موثر خود رضای خداوند علیم و سریع‌الحساب را کسب و

موجبات آرامش خاطر خانواده‌های زندانیان و مردم رنج‌دیده ایران و حفظ آبرو و اعتلای انقلاب اسلامی

و جمهوری اسلامی ایران را فراهم نمائید.

نهضت آزادی ایران

سوم دیماه ۱۳۶۹

بعدالتحریر:

هنگامی که این نامه آماده ارسال می‌شد، خبر آزادی چند تن از زندانیان را دریافت کردیم. به جهت وجود

مشکلات اجرائی در زمینه تغییر محتوی نامه متناسب با رخداد فوق‌الذکر که آنهم ناشی از محدودیت‌ها و دست

بستگی‌های بی‌شمار نهضت است متن نامه به همان صورت اولیه و حتی با تاخیر زیادتر از معمول ارسال شده

است.

روابط عمومی

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

**نامه دبیرکل نهضت به نخست وزیر هندوستان
در مورد حمله به مسجد بابری**

شماره: ۱۴۱۷

تاریخ: ۶۹/۱۰/۲۲

**جناب آقای چاندرا شکار نخست وزیر محترم جمهوری هندوستان
توسط سفارت کبرای هندوستان در ایران**

با سلام، حزب ما، نهضت آزادی ایران، دارای سه دهه سابقه فعالیت سیاسی و اسلامی است و برحسب مورد نسبت به مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر و اعلام موضع می نماید.

همانطور که اطلاع دارید در پایان ماه اکتبر سال گذشته صدها هزار هندو به رهبری سازمان معتصب، قشرگرا و طرفدار خشونت «ویشوا هندو پاریشانا» به مسجد بابری در شهر فیض آباد حمله کرده و اقدام به تخریب آن نمودند. متعاقب این عمل خشونت آمیز به مساجد دیگری در سایر شهرها حمله شده و با کمال تاسف تاکنون عده زیادی از مسلمانان هند در این توطئه قربانی شده اند.

از آنجا که همه مسلمانان جهان برادر دینی یکدیگر هستند و تکلیف شرعی و انسانی ما این است که مدافع مسلمانان مظلوم جهان باشیم به این وسیله اعتراض خود را نسبت به اعمال غیرانسانی هندوهای افراطی و خشونت گرا در مورد مسلمانان و مساجدشان، اعلام می کنیم و از جنابعالی که بالاترین مقام اجرائی کشورتان هستید تقاضای رسیدگی سریع و جلوگیری از ادامه تخریب مساجد و کشتار مسلمانان مظلوم هند را داریم.

از جنابعالی که سالها در جناح مخالف دولت به مبارزات قانونی اشتغال داشته‌اید و به عنوان یک سوسیالیست طرفدار عدالت اجتماعی معرفی شده‌اید انتظار می‌رود که اجازه ندهید چهره سیاسی کشورتان که به دمکراسی و حکومت قانون معروف است و بزرگانی چون مهاتما گاندی، پرچمدار مسالمت و عدم خشونت و شاگرد ارزنده‌اش، جواهر لعل نهرو از آن برخاسته‌اند با اعمال غیرانسانی عده‌ای متعصب علیه اقلیت مسلمانان مخدوش گردد.

از خداوند یکتا توفیق جنابعالی و دولت هندوستان را در ادامه راه آن بزرگان خواستاریم.

دبیرکل نهضت آزادی ایران

مهدی بازرگان

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

**نامه به شورای سردبیری روزنامه کیهان درمورد پخش اخبار
تحریک‌آمیز و حاوی توهین و تهمت**

۶۹/۱۰/۲۴

شورای محترم سردبیری روزنامه کیهان

با سلام، در صفحه ۶ شماره مورخ ۶۹/۱۰/۱۸ آن روزنامه در بخش اخبار ویژه خبری تحریک‌آمیز و حاوی توهین و تهمت تحت عنوان «سندی درون گروهی از جمعیت دفاع از آزادی» درج شده بود که در آن نام اینجائیان با ذکر اینکه در تهیه و تنظیم آن نقش داشته‌اید به میان آمده است. لذا ضمن اعتراض و تکذیب ادعای فوق تقاضا داریم که بر طبق قانون مطبوعات این جوابیه هر چه زودتر در آن روزنامه و در همان صفحه و محل درج شود.

از سند انتسابی که معلوم نکرده‌اید به خط کیست، چگونه به دست آمده. در چه زمان و مکان و در تحت چه شرایط و اوضاع و احوالی نوشته شده است زیر عنوان «۶ - لحن و جهت نوشته‌جات» استخراج کرده‌اید که: «... چه بسا لازم افتد که به شیوه‌هائی جز شیوه مانوس خود سخن گوئیم و مثلاً به مضامین و مستندات اسلامی - با ذکر عبارت عربی - استناد جوئیم... که هم با این حفاظ ایمن بوده و هم در عناصر دستگاههای حکومت و قشر مذهبی موثر است.»

پس از آن در زمانی که اکثر اعضای مسئول و موثر جمعیت یا دربند اسارت به سر می‌برند و یا زبان بسته و بی‌اطلاع هستند به نقل از سند مفروض آمده است: «تبلیغ اسلام و دفاع از اسلام راستین - که به نوبه خود امری ضروری است - از جمله مفاد منشور جمعیت نمی‌باشد و بنابراین توصیه فوق را باید تدارکاتی و به عنوان توشه راه در نظر گرفت و از نظر جمعیت جنبه هدفی ندارد.»

نوشته مورد بحث نه به دستورهای بحث درون گروهی شباهت دارد، نه به صورت جلسات کمیسیون‌ها و شورای مرکزی و نه به گزارشهای هیئت اجرائی و تا آنجا که به خاطر داریم ما نه در تهیه چنین نوشته‌ای نقش داشته و نه از آن مطلع بوده‌ایم. چنین مطالب و مباحثی در شورای مرکزی، هیات اجرائی یا کمیسیون‌های وابسته به آن و یا در خبر نامه و نشریات جمعیت تصویب، توصیه یا پیشنهاد نشده است و تناسبی با مرامنامه و برنامه‌های جمعیت نداشته است و اگر به خاطر یا قلم کسی آمده باشد جنبه شخصی و فردی داشته و نباید آن را به حساب جمع و دیگران گذاشت. ضمن آنکه نویسنده آن با تایید ضرورت تبلیغ و دفاع از اسلام راستین آن را خارج از وظایف جمعیت بر طبق منشور آن قلمداد کرده است.

در هرحال، بنا بر اصل ۲۷ قانون اساسی هیچ شخص و مقام یا گوینده و نویسنده‌ای حق نداشته است که قبل از رسیدگی بی طرفانه در مورد صحت و سقم و اعتبار و ارتباط این سند با جمعیت و اینجانان و صدور حکم از طرف یک دادگاه صالح، اظهار نظر و نقل حدیث نماید و خبر درج شده در آن روزنامه از نظر قوانین جمهوری اسلامی ایران جرم محسوب می‌شود.

مهدی بازرگان - ابراهیم یزدی

گیرندگان رونوشت:

- ۱- آیت الله جناب آقای محمد یزدی ریاست محترم قوه قضائیه
- ۲- حجت الاسلام جناب آقای محمد خاتمی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۳- روزنامه اطلاعات

۲ - حجت الاسلام جناب آقای محمد خاتمی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی -
۳ - روزنامه اطلاعات -

سندی درون گروهی از «جمعیت دفاع از آزادی»

صفحه ۶
سه شنبه ۱۸ دی ۱۳۶۹ -
۲۱ جمادی الثانی ۱۴۱۱

بر اساس سندی درون گروهی که اخیراً از عناصر گروهک جمعیت دفاع از آزادی به دست آمده است و افرادی چون بازرگان، یزدی و علی اردلان در تهیه و تنظیم آن نقش داشتند، سیران باپندی و شهید این گروه به اسلام روشن می‌شود.

در این سند به اعضا توصیه شده است که وگه لازم است با شیوه‌های و غیر مابوسی خود سخن بگویند و عملاً به مضامین و مستندات اسلامی با ذکر عبارت عربی اشهاد کنند. زیرا تحت این پوشش هم‌اکنون بوده و هبدر افراد دستگاه‌های حکومتی و قشر مذهبی موثر است.

مستأ در سند مرور یادآوری شده است که و تبلیغ اسلام و دفاع از اسلام راستین از جمله نهاد مشور جمعیت می‌باشد و توصیه فوق جنبه هدیه نداشته و حتماً گنجانده



۶- تمام رونوشت‌ها مستند است
برای باز - چه با لازم و دیگر در شهرهای جزیره، فارس
عمده‌ترین لایحه رونوشت در تمام حیطه مستندات اسلامی
سازگار با سیاست طرف - استناد هویت - عبادت
با این جمعیت مرتبط و کسب تبلیغ از طریق
مع انظم ... در تمام حیطه مستندات حرم با این مثال
این بوده در تمام حیطه مستندات و کسب تبلیغ
شهرت است - از سر راه با این لایحه مستند است
در این اراده است که گروهک در تمام حیطه مستندات
ارعمده نهاد مشور جمعیت است و تبلیغ اسلام و دفاع از
است که با این سندی که در میان رونوشت‌ها در نظر گرفته
روزنامه

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین
در مورد شهادت دو تن از رهبران ساف

شماره: ۱۴۱۸

تاریخ: ۶۹/۱۰/۲۷

جناب آقای یاسر عرفات ریاست محترم سازمان آزادیبخش فلسطین

با نهایت تاسف و تالم خبر ناگوار شهادت دو تن از رهبران برجسته ساف، صلاح خلف (ابویاد) و حائل عبدالحمید (ابوالهول)، مجاهدان شهید مردم رنج دیده فلسطین و ابومحمد یکی از مشاوران آنان را توسط مزدوران تروریست صهیونیست دریافت داشتیم.

ما شهادت این مبارزان فلسطینی را ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر برای مردم فلسطین، امت مسلمان و همه آزادگان جهان می‌دانیم و معتقدیم که سالها باید سپری گردد تا فرزندان چنین برجسته و با کفایت پرورش یابند معهدا باید دانست که به اذن پروردگار منان خون این صدیقان نهال مبارزه و نهایتا حصول آزادی را بیشتر آبیاری خواهد کرد و در حقیقت مقدمه‌ای برای مرگ دشمنان باطل و فتح نهائی خواهد گشت.

ما این ضایعه را به ملت فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین تسلیت گفته، از خداوند متعال برای مبارزین سرسخت و مقاوم صبر و شکیبائی بیشتر در برابر صهیونیسم و استکبار جهانی آرزو کرده و سرانجام فتح و آزادی را برای مردم فلسطین و همه آزادگان جهان طلب می‌کنیم.

از طرف نهضت آزادی ایران

مهدی بازرگان - ابراهیم یزدی

بیانیه نهضت در مورد حمله عراق به کویت

شماره: ۱۴۱۹

تاریخ: ۶۹/۱۱/۴

بار دیگر جنگ

با کمال تاسف بار دیگر آتش جنگ خانمان سوزی با ابعاد گسترده و بی سابقه شعله‌ور شد و ماشین خونریزی و ویرانگری به ابتکار صدام حسین و حزب بعث عراق و زمینه‌سازی دولتهای ارتجاعی و فاسد عرب و استقبال و اغتنام فرصت از جانب استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا به راه افتاد. فاجعه‌ای عظیم و تاریخی که خدا کند به جنگ جهانی دیگری منجر نشود.

این جنگ به سود چه کسانی است؟ آیا رژیمهای تجاوزگر و سلطه‌طلب آمریکا و اسرائیل از آن سود نمی‌برند؟ این جنگ میلیتاریسم خون آشام آمریکا را که بر اثر تحولات اخیر در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی به بن‌بست رسیده بود و رژیم غاصب اسرائیل را که در نتیجه ادامه و تعمیق مبارزات مردم رنج‌دیده فلسطین (انتفاضه) و فشارهای بین‌المللی برای مصالحه با فلسطینیان به تنگنا افتاده بود، نجات داد. این جنگ کارتل‌های نفتی و نظام بانکداری جهانی را از برکت سودهای سرشار حاصل از ترقی نفت فربه‌تر می‌سازد و همان دولتهائی که عراق را برای کوبیدن ایران و پیشبرد سیاستهایشان تا بن دندان با پیچیده‌ترین سلاحها مجهز کرده بودند اینک حاصل کارشان را درو می‌کنند! این جنگ برای مردم منطقه، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، جز خون و خرابی، جز تباهی و فساد و جز نابودی حرث و نسل چه حاصلی داشته است یا خواهد داشت؟ این اموال خداداد ملتها است که حکام فاسد منطقه برای مقاصد باطل به هدر می‌دهند و این خونهای بی‌گناهان، برادران مسلمان یا هم‌نوعان انسانی ما، است که بر زمین ریخته می‌شود.

1- انفال ۲۵- و از فتنه‌ای پرهیزید که عواقب آن تنها دامنگیر ستمکاران از شما نمی‌شود.

شاید تقصیر و مسئولیت اصلی این فاجعه بزرگ تاریخی متوجه حکام خودکامه کشورهای عربی و اسلامی است که به جای به کار بردن درآمدهای هنگفت نفت در راه بالا بردن سطح زندگی مردم، از بین بردن فقر و محرومیت و جهل و بی‌سوادی، ساختن مدرسه و دانشگاه و بیمارستان و پیشبرد صنعت و کشاورزی آن را صرف هزینه‌های بیهوده نظامی و حفظ و تقویت میلیتاریسم جهانی و جنگ و نابودی می‌نمایند. آنها به جای آنکه به ندای قرآن کریم و عقل سلیم گوش فرا داده، دست از تفرقه افکنی و شرارت و فسق و فساد بردارند و دلسوز و هماهنگ حامی ملتها شده، دشمنان را از امکانات بالقوه موجود بترسانند هر روز به بهانه‌های واهی به جان هم می‌افتند و جز در راه تباهی و فساد ائتلاف نمی‌کنند. هم‌اینان، دیروز با پذیرفتن خفت و ننگ نوکری بیگانگان علیه ایران متحد شدند و ماشین جنگی عراق را با سرمایه و تجهیزات پیشرفته نظامی به سود ابرقدرتها مجهز کردند و به راه انداختند و امروز در حالی که هنوز مرکب صورت جلسه مذاکرات صلح بین ایران و عراق و خون هزاران انسان بی‌گناه بر ریگهای بیابان و صخره‌های کوهستان و آبهای برکه و باتلاق خشک نشده است به سود همان قدرتها به جان هم افتاده‌اند و جنگ ویرانگر دیگری را بر پا کرده‌اند.

متأسفانه سازمان ملل متحد به علت سلطه بی‌چون و چرای قدرتهای بزرگ، به ویژه آمریکا، با نفاق و دوگانگی در مورد اجرای تصمیمات اخیر سازمان درباره تجاوز عراق، با توجه به این که رژیم اسرائیل با وجود بی‌اعتنائی مطلق به مصوبات شورای امنیت سازمان ملل، مورد تایید دولت آمریکا و سایر قدرتهاست، به صورت بارزتری به چشم می‌خورد و این موضوع نشان می‌دهد که متأسفانه کشورهای جهان سوم و اعضای جنبش غیرمتعهدها هنوز نتوانسته‌اند نقش موثری در سازمان ملل ایفا کنند.

نهضت آزادی ایران همانگونه که در مرداد ماه ۶۹، به هنگام آغاز بحران، طی بیانیه‌ای تجاوز عراق به کویت و حضور نیروهای بیگانه در منطقه را محکوم کرد این جنگ کریه و خصوصاً بمباران مراکز غیرنظامی را شدیداً محکوم می‌نماید.

نهضت آزادی ایران معتقد بوده و هست که با عقب‌نشینی عراق از کویت و دست کشیدن از ماجراجویی و با خروج کلیه نیروهای خارجی از خلیج فارس راه برای حل مسالمت‌آمیز مسائل منطقه باز خواهد شد.

به هر حال واقعیت تلخ این است که آتش جنگ با وجود آنکه اجتناب‌پذیر بوده شعله‌ور شده است. از همان آغاز بحران یکی از نگرانیهای عمده بسیاری از مردم کشورمان احتمال گسترش جنگ و درگیری به ایران و تحمیل مجدد یک جنگ بی‌حاصل بر کشورمان بوده است و برخی از اظهارنظرها و موضع‌گیریها هم این نگرانی را دامن می‌زد. ولی خوشبختانه سیاست رسمی کنونی دولت ایران در مسئله بحران و جنگ خلیج فارس مبنی بر بی‌طرفی، عدم مداخله و عدم اجازه استفاده از خاک ایران توسط طرفهای درگیر جنگ بر طبق آنچه مقامات مسئول اعلام کرده‌اند، واقع‌بینانه و مصلحت‌آمیز است.

هرگونه تغییر موضع و خروج از بی‌طرفی در جنگ مسلماً به زیان ایران تمام خواهد شد، ضمن آنکه سودی هم نه به لحاظ اسلام و مکتبمان و نه به لحاظ انقلاب عاید در بر نخواهد داشت.

اگر ایران رسماً جانب عراق را بگیرد آمریکا بسیار خوشحال خواهد شد زیرا به بهانه آن و به تلافی گذشته کشور ما را آماج قسمتی از حملات خود قرار داده و سعی خواهد کرد که با عبور از خاک ایران جبهه جدید خاکی علیه عراق باز کند.

در مقابل، اینک که عراق، صرفنظر از انگیزه‌ها و خطاها و غیره که در جای خود قابل بحث است، شجاعانه در برابر نیروهای آمریکا و همپیمانانش مقاومت می‌کند و اسرائیل را موشکباران می‌نماید، اگر ایران به نفع آمریکا و متحدانش وارد جنگ شود این امر نه از جهت مبانی فکری و اعتقادی قابل توجیه بوده و نه با منافع و مصالح کشورمان انطباق خواهد داشت.

نهضت آزادی ایران با توجه به وخامت و حساسیت اوضاع امیدوار است و از مقامات مسئول کشور مصرانه می‌خواهد که با حفظ سیاست و بی‌طرفی مثبت و پیگیری سیاست‌های اعلام شده راه را برای سوءاستفاده و بهانه‌جویی نیروهای شیطانی داخلی و خارجی و درگیر ساختن ایران در این جنگ به کلی مسدود کرده و از هیچ‌گونه تلاشی برای خاموش کردن آتش جنگ و همکاری در حل مسالمت‌آمیز مسائل منطقه فروگذاری ننمایند. از ایزد منان نیز رفع هر چه سریعتر فتنه و خفت و خواری دشمنان اسلام و انسانیت را مسالت می‌نماید.

نهضت آزادی ایران

۶ بهمن ۱۳۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

**نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد و درخواست
ایجاد وضعیت برای تحقق صلح در خاورمیانه**

شماره: ۱۴۲۰
تاریخ: ۶۹/۱۱/۳۰

جناب آقای خاویرپرز دکوئیاری

دبیرکل محترم سازمان ملل متحد

نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا به بهانه اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت از حدود تعیین شده در قطعنامه تجاوز نموده و مراکز غیرنظامی و مردم بی‌دفاع و بی‌گناه شهرها و روستاها، مدارس و بیمارستانها و مراکز مقدس مذهبی و آثار فرهنگی را هدف بمبارانهای مخرب خود قرار داده و در جهت نابودی عراق پیش می‌روند.

دولت عراق با عدم قبول به موقع قطعنامه ۶۶۰ و خروج از کویت بار اصلی گناه جنگ را بر عهده گرفته است. اما پیشنهاد اخیر عراق با وجود برخی اشکالات و نارسائیه‌ها حرکت مثبتی است و می‌توان از آن برای حل مسالمت‌آمیز بحران استفاده نمود. در حالی که این حرکت مورد استقبال دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته است با بی‌اعتنائی آمریکا و متحدانش روبرو شده و به کشتار مردم بی‌گناه عراق همچنان ادامه می‌دهند.

متأسفانه سازمان ملل که شدیداً دچار دوگانگی در اجرای تصمیمات خود در رابطه با عراق و اسرائیل می‌باشد در مورد تجاوزهای چند ملیتی از مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت و کشتار مردم عراق و تخریب همه جانبه آن کشور نیز ساکت و بی‌تفاوت است.

جناب آقای دبیر کل، صلح در خاورمیانه زمانی تحقق خواهد پذیرفت که نه تنها عراق از کویت بیرون رود بلکه به اشغال سرزمین فلسطین نیز خاتمه داده شود و قطعنامه‌های مربوطه اجرا گردد.

ما از جنابعالی می‌خواهیم از تمامی امکانات خود برای تحقق صلح در خاورمیانه و توقف فوری کشتار مردم بی‌گناه اقدام نمائید و طرفین را به آتش بس و مذاکره جهت یافتن راه حل مسالمت آمیز بحران دعوت و تشویق نمائید. و اجازه ندهید، اسرائیل با استفاده از بحران کنونی به کشتار فلسطینیان در سرزمینهای اشغالی و مردم جنوب لبنان و تجاوز به لبنان ادامه دهد.

از طرف نهضت آزادی ایران

مهندس مهدی بازرگان (نخست‌وزیر اسبق)

دکتر ابراهیم یزدی (وزیر امور خارجه اسبق)

تهران - ۲۰ بهمن ۶۹

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به رئیس قوه قضائیه در مورد تعیین وضعیت ۱۳ تن از زندانیان

شماره: ۱۴۲۱

تاریخ: ۶۹/۱۲/۱۸

آیت الله جناب آقای محمد یزدی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام و دعای خیر، همانطور که مستحضرید هنوز ۱۳ تن از امضا کنندگان نامه مورخ اردیبهشت ماه ۶۹ (معروف به نامه ۹۰ امضائی) خطاب به ریاست محترم جمهوری، در زندان اسیر و بلا تکلیف می‌باشند و بعضاً به دلیل تحمل شرایط خاص سلولهای انفرادی به مدت مدید و مصائب و مشکلات دیگری که قصد بیان آنها را در اینجا نداریم دچار انواع ناراحتی‌های جسمی و روحی شده‌اند.

اسیرانی را که، کلید داران امروز زندانشان همبندان دیروز مبارزات دوران ستمشاهی و نگهبانانشان همسنگران قدیم دفاع از ارزشهای اسلامی هستند، جنابعالی مانند بسیاری از دست اندرکاران نظام به خوبی می‌شناسید و بر ایمان اسلامی و عشق آنان به ایران واقفید.

به کار گیری واژه‌ها و عباراتی افترا آمیز چون ستون پنجم دشمن، همصدائی با بیگانگان، تضعیف مسئولان، دلسرد کردن مردم و درباره بازداشت شدگان تعبیراتی است که معمولاً رژیمهای خودکامه و صاحبان یا تشنگان قدرت سیاسی در مورد مخالفین خود به کار برده و می‌برند تا هر صدای غیرموافق و ناخواسته را خاموش کنند.

جنابعالی و سایر مسئولان مملکت و ملت شریف ایران نیک می‌دانید و می‌دانند که تنها جرم این عزیزان درخواست اجرای قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی بوده است و بیان

عقیده سیاسی و ابراز نظر نسبت به شیوه‌ها و عملکردهای مسئولان و به طور خلاصه ایفای فریضه دینی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر.

در کشوری که همه رسانه‌های جمعی در اختیار و تحت کنترل حاکمیت است و همه احزاب و گروه‌های مخالف در حال تعطیل یا بلاتکلیفی‌اند چه شیوه‌ای جز ارسال نامه به مسئولان مملکت می‌تواند برای ابراز عقیده در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد؟

قطعاً استحضار دارید مسئولیتی که در این شرایط حساس تاریخی کشورمان بر عهده گرفته‌اید تا چه حد سنگین است و قبل از جنابعالی از صدر اسلام تا دهه پرتلاطم انقلاب اسلامی ایران چه انسانهایی بر این مسند قضاء نشسته و برخاسته‌اند. کوتاهی زمان این نشست و برخاستها نیرزد بر ستمی که بر مسلمانی رود و در برابر آن سکوت اختیار گردد که نه رضای معبود در آن است و نه خدمت خلق.

شاید بسیاری از مجریان قانون آیات قرآن کریم را که بر اصول مهم «اوفوا بالعهد» و «اوفوا بالعقود» تاکید دارد فراموش کرده‌اند و یا سرنوشت اقوامی را که مشمول «

» بوده‌اند در تاریخ نخوانده‌اند که این چنین نسبت به زیر پا نهادن قانون و شریعت اسلام و میثاق‌های اجتماعی بی‌تفاوت گردیده‌اند.

رفتارهایی که در این مدت با زندانیان شده است ناقض بسیاری از مواد قانون اساسی می‌باشد، همان قانونی که حاصل سالیان دراز زندان و شکنجه و ثمره خون شهیدان انقلاب اسلامی است و اکنون بخش‌هایی از آن با توجیحات مختلف مورد نقض آشکار و بی‌حرمتی قرار گرفته است. دردناکتر آنکه کسانی که سوگند جلاله برای پاسداری و حفظ حرمت آن یاد کرده‌اند نه تنها معترض نشده‌اند بلکه با سکوت خویش و بعضاً دستور یا تایید چنین قانون شکنی‌ها میخی بر تابوت قانون اساسی کوبیده‌اند.

انتظار ما و خانواده‌های زندانیان و بسیاری از مردم این است که این عزیزان پس از ماهها بازداشت و حبس انفرادی و تحمل مصائب شدید هر چه زودتر ضمن اعاده حیثیت و عذرخواهی از ایشان آزاد گردند و یا اگر به زعم برخی از مسئولان جرمی مرتکب شده‌اند در یک دادگاه صالحه علنی و با حضور هیات منصفه، بر طبق قانون محاکمه شوند و به آنان امکان داده شود که از کلیه حقوق قانونی خود و از جمله انتخاب وکیل استفاده کنند.

همانطور که جنابعالی نیز به دفعات در خطبه‌های نماز جمعه و مصاحبه‌ها بیان نموده‌اید، اقرارها و اعترافات دریافتی از بازداشت شدگان در شرایط زندان و تحت فشارهای روحی و جسمی سلولهای انفرادی و ترفندهای دیگر به هیچ وجه قابل اعتنا نمی‌باشد و نمی‌تواند مستند هیچ دادگاهی قرار گیرد. به علاوه همانگونه که بر وفق قانون اساسی اعلام کرده‌اید: «در دستگاه قضائی ما تاکید بر این است که جلسات دادگاهها علنی باشد، بنا داریم تخلف از این امر را تخلف قضائی دانسته و در صورت نداشتن دلیل قانع کننده‌ای اقدام قانونی انجام گردد» (ابرار ۹/۱۷) باید اقدام لازم صورت گیرد.

بدیهی است رأی محکمه‌ای که فاقد صلاحیت‌های قانونی لازم باشد و متهمان در طول محاکمه مرعوب فشارهای روحی و جسمی و یا جو نامساعد دادگاه باشند در پیشگاه خداوند دادگر و نزد ملت ایران نه تنها مورد قبول قرار نخواهد گرفت بلکه یادآور روزگار تلخ استبداد و بیدادگاههای نظامی رژیمهای گذشته خواهد بود.

از آنجا که جنابعالی در مهمترین رکن قضائی کشور تلاش بر حسن جریان امور دارید و از متعهدان اصلی اجرای قانون اساسی هستید انتظار داریم با اقدامات عاجلی که خواهید فرمود یا بلافاصله نسبت به آزاد کردن بقیه زندانیان مورد نظر اقدام شود و یا محاکمه علنی آنان بر طبق قانون در یک دادگاه صالح با مشخصاتی که فوقاً ذکر گردید و با رعایت کامل حقوق قانونی زندانیان انجام پذیرد.

در پایان بار دیگر توفیق جنابعالی و مسئولان امر را در خدمت به مردم از طریق اجرای عدالت و قانون و جلب رضای پروردگار مسالت می‌کنیم.

نهضت آزادی ایران

۱۸ اسفند ماه ۶۹